

نظام‌های انتخاباتی و آثار سیاسی آن در آسیا

این گزارش ترجمه بخشی از منبع زیر است:

Electoral Politics in Southeast & East Asia, Aurel
Croissant, Friedrich Ebert Stiftung, Singapore 2002

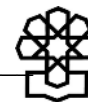
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۳۷۰۰
خردادماه ۱۳۹۳

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| ۱..... | چکیده |
| ۲..... | مقدمه |
| ۳..... | ۱. تاریخچه، تکوین و انواع نظام‌های انتخاباتی |
| ۱۰..... | ۲. آثار سیاسی نظام‌های انتخاباتی |
| ۲۹..... | نتیجه‌گیری مترجم |
| ۳۱..... | منابع و مأخذ |



نظام‌های انتخاباتی و آثار سیاسی آن در آسیا

چکیده^۱

آنچه از یک نظام انتخاباتی انتظار می‌رود، در سه محور عمده خلاصه می‌شود، که من حیث المجموع از آنها با عنوان آثار سیاسی نظام انتخاباتی یاد می‌شود. در درجه اول نظام انتخاباتی می‌تواند نمایندگی مردم را به شکل متناسب و با رعایت عدالت و انصاف بین احزاب سیاسی و گروه‌های مختلف اجتماعی توزیع کند، برعکس، نظام انتخاباتی دیگر، ممکن است طوری ترسیم شود که این نمایندگی را به شکل نامتناسب (مثلاً اعطای نمایندگی افراطی به حزبی که معمولاً حزب حاکم است) توزیع کند. در درجه دوم، نظام انتخاباتی ممکن است به تکرر و چندگانگی نظام حزبی بیانجامد، طوری که کلیه عقاید و اندیشه‌های اجتماعی می‌توانند در قالب آن عرض اندام کنند، برعکس، نظام انتخاباتی دیگر ممکن است نظام حزبی را به سمت نظام دوحزبی یا یک و نیم‌حزبی یا حزب غالب و یا حتی نظام حزبی هژمونیک سوق دهد. در نهایت نظام انتخاباتی در نحوه کارکرد دولت‌ها و حکمرانی نیز مؤثر است. یک نظام انتخاباتی می‌تواند منجر به تشکیل دولت‌های اکثریتی با دوام و پایدار شده و به ثبات سیاسی ختم شود، در حالی که یک نظام انتخاباتی دیگر ممکن است به تشکیل دولت‌های ائتلافی یا دولت‌های تقسیم شده بیانجامد و دولت‌های زودگذر و ناپایدار و سرانجام عدم ثبات سیاسی را نتیجه دهد. این گزارش به دنبال کشف این حقیقت است که نظام‌های انتخاباتی در آسیا (کشورهای مورد مطالعه) با کدام یک از این نتایج و آثار سیاسی تلاقی دارند؟ کدام نظام‌های انتخاباتی در این حیطه جغرافیایی - سیاسی اعمال می‌شوند؟ آیا نظام‌های انتخاباتی معمول در این کشورها اصل نمایندگی مردم را به تناسب توزیع کرده‌اند یا به شکل نامتناسب؟ به چندگانگی و تکرر نظام حزبی منجر شده‌اند یا به نظام دوحزبی و متمرکز؟ به ثبات سیاسی و تشکیل دولت‌های اکثریتی با ثبات منجر شده‌اند یا به ناپایداری سیاسی و تشکیل دولت‌های ائتلافی و ناپایدار؟ آنچه در این گزارش ارائه می‌شود تلاشی است برای پاسخ به این سؤالات.

مقدمه

برخلاف بسیاری از مطالعات در زمینه انتخابات، این مقاله توجهی به توضیح این که چه کسی، چه زمانی و چرا در انتخابات برنده شد، ندارد. به جای آن، این تحقیق، تا آنجا که به انتخابات و سیاست انتخاباتی مربوط می‌شود، بیشتر معطوف بر تبیین نقش انتخابات «دمکراتیک» رقابتی در امکان تأثیرگذاری شهروندان بر سیاستگذاران در جوامع مختلف، علل و پویایی سیاست انتخاباتی و مسائل و مشکلات مربوط به توسعه دمکراتیک است. به همین دلایل، همه مؤلفان، انتخابات را به‌عنوان ابزارهای توسعه دمکراتیک قلمداد کرده و قابلیت این ابزار را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

درحالی که طیف گسترده‌ای از برداشت‌های متفاوت از دمکراسی وجود دارد - از دمکراسی مشارکتی گرفته تا دمکراسی حداقلی در مفهوم شومپتری^۱ با دمکراسی لیبرالی و نمایندگی بین دو سر طیف - این مقاله صراحتاً براساس یک فرضیه هنجاری پیش می‌رود: دمکراسی - که در اینجا به‌عنوان قالبی از نظم سیاسی تلقی می‌شود که در آن مردم در امر سیاستگذاری مشارکت کرده و حرف آخر را می‌زنند و براساس حرف آنها، سیاست‌ها اتخاذ می‌شوند -^۲ بهترین نوع همه نظام‌های سیاسی است. این توافق اولیه [درباره مفهوم دمکراسی] هیچ‌گونه جهت‌گیری در مورد الگوی نهادی، رابطه بین فرد و جامعه، حقوق و تکالیف شهروندان، یا مکانیسم‌های نهادی که مردم به واسطه آن حقوق خود را اعمال کنند، ترسیم نمی‌کند. هر جامعه‌ای باید با توجه به شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود، این مسائل را حل و فصل کند. برای مثال، بحث در مورد «دمکراسی کنفوسیوسی»^۳ یا «دمکراسی مدل آسیایی»^۴ پس از اینکه عقیده دمکراسی به‌عنوان یک ارزش مورد قبول واقع شد، اتفاق می‌افتد.^۵ بعد از اینکه ایده دمکراسی پذیرفته شد، بحث بر سر مدل‌های مختلف ساختاری، هنجاری یا ایدئولوژیکی دمکراسی آغاز می‌شود.

همان‌طور که می‌دانیم در دولت‌های مدرن حکومت توسط مردم در بیشتر بخش‌ها باید به‌صورت غیرمستقیم صورت گیرد.^۶ یعنی شهروندان در درجه اول از طریق انتخاب مقامات سیاسی در انتخابات رقابتی اقدام به مشارکت می‌کنند.^۷ این برداشت از دمکراسی نگاهی ابزاری نسبت به انتخابات است. انتخابات‌ها صرفاً ابزاری برای دمکراسی نیستند و اجماع وسیع دانشمندان حاکی از آن است که دمکراسی بیش از انتخابات است. با این حال، انتخابات برای دمکراسی لازم و

1. Minimal Democracy in a Schumpeterian Sense

2. Dahl, 1989.

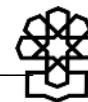
3. Confucian Democracy

4. Asian- Style Democracy

5. For an overview see Hahm et al., 2000; Foot, 1997; Fox, 1997.

6. Sartori, 1987; 1997.

7. Powell, 2000, P 3.



ضروری است. زیرا انتخابات، که ابزاری برای دموکراسی است، باید بیش از آیین‌های نمادین صرف باشد؛ انتخابات باید سودمند یعنی آزاد، صحیح و مؤثر باشد.^۱

هدف این تحقیق، بررسی سه سؤال فراگیر است. نخست کدام نظام‌های انتخاباتی در آسیای شرقی و جنوب شرقی قابل شناسایی‌اند؟ دوم آیا انتخابات و نظام‌های انتخاباتی به توسعه دموکراتیک کمک می‌کنند؟ و سوم اصلاحات نهادی و ساختاری چگونه می‌توانند توسعه دموکراتیک پایدار را تقویت کنند؟ این تحقیق بر دومین سؤال از سؤالات فوق متمرکز است و رویکردی تطبیقی در مورد آن دارد. در بخش اول، تاریخچه، تکوین و انواع نظام‌های انتخاباتی در آسیای شرقی و جنوب شرقی مختصراً ذکر شده و در بخش دوم عملکرد نظام‌های انتخاباتی در خصوص سه الزام کارکردی: نمایندگی، یکپارچه‌سازی و قابلیت حکمرانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. تاریخچه، تکوین و انواع نظام‌های انتخاباتی

از یک چشم‌انداز تطبیقی، انتخابات و نظام‌های انتخاباتی تاریخ طولانی قابل ملاحظه‌ای در آسیای شرقی و جنوب شرقی داشته است. کشورهای مورد مطالعه، روی هم رفته ۱۲۵ انتخابات مستقیم ریاست‌جمهوری و قوه مقننه را بین سال‌های ۱۹۰۷ و ۲۰۰۱ برگزار کرده‌اند.

اگر چه این آمار سابقه طولانی در انتخابات را نشان می‌دهد، با این حال، باید بین دوره‌هایی که در آن انتخابات به‌عنوان ابزار دموکراسی و دوره‌هایی که در آن انتخابات به‌عنوان یک ابزار تشریفاتی سیاسی عمل کرده است، تمایز قائل شویم. تنها درصد کمی از کل ۱۲۵ انتخابات برگزار شده به‌عنوان ابزار دموکراسی قلمداد شده‌اند، یعنی در آنها به مردم این شانس داده شده است که در یک انتخابات آزاد و منصفانه، نمایندگان سیاسی خود را انتخاب کنند. به‌عنوان مثال، در کامبوج، تنها انتخابات سال ۱۹۹۳ با این معیار همخوانی دارد، در حالی که انتخابات عمومی سال ۱۹۹۸ در بهترین حالت انتخاباتی نیمه‌رقابتی بود. در اندونزی، تاکنون، از هشت انتخابات پارلمانی صرفاً دو مورد آزاد و منصفانه بوده است. در کره تا قبل از وقوع دموکراسی در سال ۱۹۹۷، تنها دو انتخابات - انتخابات عمومی سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۰ - می‌توانند به‌عنوان انتخابات آزاد و منصفانه طبقه‌بندی شوند. در تایلند، تا سپتامبر سال ۱۹۹۲، بسیاری از انتخابات‌ها تحت کنترل نظامیان برگزار شده بودند و بنابراین سودمندی اندکی داشته‌اند، زیرا دولت نه از سوی پارلمان بلکه عملاً از سوی نظامیان انتخاب می‌شد.^۲ در سنگاپور و مالزی، انتخابات شاید واجد شرایط انتخابات آزاد باشد، اما

1. See Hadenius, 1992.

2. Wyatt, 1984; Morell and Chai-anan, 1981; Murashima and Mektrairat, 1991; Pasuk and Baker, 1999.

عنوان انتخابات منصفانه را ندارد.^۱ تنها در فیلیپین - و حداقل با نگاهی به سوابق گذشته تا انتخابات سال ۱۹۴۶ - انتخابات آزاد و منصفانه سابقه طولانی داشته است. این سنت در بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۸۶ قطع اما مجدداً در انتخابات عمومی سال ۱۹۸۷ احیا شده است. با این حال، انتخابات فیلیپین مثال کاملی است از این که انتخابات آزاد و منصفانه، لزوماً انتخابات «پاک»^۲ نیست. فیلیپین همچنین دارای سابقه طولانی در مورد ناهنجاری‌های انتخاباتی است. اگرچه انتخابات آزاد و منصفانه است، اما قانون انتخابات، «ثابت کرده است که در مقابله با جرائم به دلیل غلبه بندهای «از اعتبار افتاده»^۳ که غیرواقعی و به سختی قابل اجرایی‌اند، ناکارآمد و غیرمؤثر بوده است».^۴ امروزه انتخابات تایلند و کامبوج نیز در معرض کاهش کیفیت انتخابات قرار گرفته است.^۵

جدول ۱. انتخابات مستقیم در آسیای شرقی و جنوب شرقی^۶

| کشور | انتخابات ریاست‌جمهوری | انتخابات قانونگذاری |
|-------------------------|-----------------------|---------------------|
| کامبوج (۱۹۹۸-۱۹۴۸) | ۱ | ۱۰ |
| کره (جنوبی) (۲۰۰۰-۱۹۴۸) | *۹ | ۱۶ |
| اندونزی (۱۹۹۹-۱۹۴۹) | ۰ | ۸ |
| مالزی (۱۹۹۹-۱۹۵۵) | ۰ | ۱۱ |
| فیلیپین (۲۰۰۱-۱۹۰۷) | ۱۳ | ۲۷ |
| سنگاپور (۱۹۹۹-۱۹۶۸) | ۱ | ۸ |
| تایلند (۲۰۰۱-۱۹۳۳) | ۰ | **۲۱ |
| کل | ۲۴ | ۱۰۱ |

* انتخابات ابطال شده آوریل سال ۱۹۶۰ نیز محاسبه شده است.

** انتخابات سال ۲۰۰۰ سنا نیز محاسبه شده است.

در اکثر قسمت‌ها، تاریخ طولانی انتخابات در آسیای شرقی و جنوب شرقی بیانگر سابقه‌ای از انتخابات تشریفاتی، ناهنجاری‌ها و سوءاستفاده‌های انتخاباتی است. از دید تطبیقی، می‌توانیم سه نوع از انتخابات ابزاری را در گذشته در این منطقه مورد شناسایی قرار دهیم:

۱. انتخابات به‌مثابه تشریفات‌گرایی سیاسی و به‌عنوان ابزاری برای بسیج سیاسی: کامبوج

قبل از سال ۱۹۹۳، اندونزی بین سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۹۹، فیلیپین در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰.

1. See the chapter by Lim Hong Hai in This Volume. Also Li and Elklit, 1999.

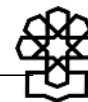
2. "Clean" elections

3. Dead-letter

4. Teehankee, This Volume.

5. See the chapter by Orathai Kokpol in this volume. Also Croissant and Dosch, 2001; Thai Rath, 10 February 2002; P 2.

6. Compilation by the Author Based on Information in the Chapters in this Book and Rueland, 2001, PP 83-129; Hartmann, 2001, PP 53-83.



۲. انتخابات به‌عنوان رقابت محدود و به‌عنوان ابزاری برای یکپارچگی و اتحاد سیاسی: کره از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۷، مالزی از دهه ۱۹۷۰ و سنگاپور.

۳. انتخابات به‌عنوان رقابت دمکراتیک و ابزاری برای مشارکت سیاسی: کره و تایلند در دهه ۱۹۹۰، فیلیپین از سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۷۱ و مجدداً از سال ۱۹۸۷ به بعد، اندونزی در سال ۱۹۹۹، کامبوج در سال ۱۹۹۳.

تنها در ده سال گذشته کیفیت انتخاباتی در برخی کشورها مانند کره و تایلند بهبود یافته است. در هر دوی این کشورها، اصلاحات نهادی برای مقابله با تقلب و بی‌نظمی و تقویت یکپارچگی روند انتخابات نسبتاً موفق بوده است، درحالی که در کشورهای دیگر نظیر کامبوج، اندونزی و فیلیپین، کیفیت پایین انتخابات هنوز هم دلیل اصلی رفیق‌بازی^۱ و فساد و نیز علت فقدان حرفه‌ای‌گرایی و نبود اخلاقیات در سیاست‌های پارلمانی است.^۲

جای تعجب نیست، که روش‌های پیاده کردن نظام‌های انتخاباتی در آسیای شرقی و جنوب شرقی با تنوع ابزاری ارتباط داشته است. در زمان حکومت استبدادی، قوانین انتخاباتی به‌طور یک‌جانبه توسط خود صاحبان قدرت نوشته می‌شود. تنها زمانی که فرآیند دمکراسی‌سازی اتفاق می‌افتد، قواعد انتخاباتی از خلال بحث‌های آزاد چند گروه سیاسی و اجتماعی ظاهر می‌شود. اما بازم، (میان فرآیندهای دمکراسی‌سازی) باید تفاوت قائل شویم. در کره جنوبی، تایلند و فیلیپین، اصلاحات انتخاباتی، ماحصل فرآیند وسیع‌تر اصلاح قانون اساسی بود. در تایلند و فیلیپین، الگوی اولیه نظام انتخاباتی ابتدا با جزئیات آن در قانون اساسی آمده بود؛ قانون اساسی به وسیله یک سازمان حکومتی تدوین شد و روند تدوین قانون اساسی از خلال مباحثات عمومی پرجنب‌وجوش که بسیاری از روشنفکران و گروه‌های اجتماعی و مدنی از آن کنار گذاشته شده بودند، هدایت شد.^۳ بعد از آن، قوانین انتخاباتی در پارلمان تدوین و به تصویب رسید. در کره جنوبی، قانون اساسی جمهوری ششم هیچ نوع خاصی از نظام انتخاباتی را تعیین نکرده است. قانون انتخابات در پارلمانی تصویب شد، که اعضای آن در انتخابات نیمه‌رقابته سال ۱۹۸۵ انتخاب شده بودند و لذا واجد هیچ نوع مشروعیت دمکراتیک نبوده‌اند. موضوع قانون انتخابات مورد تفوق و تسلط احزاب سیاسی در پارلمان قرار گرفت، به همین دلیل قانون انتخابات برآمده از آن تنها اراده سیاسی حزب حاکم را منعکس می‌کرد. در تایلند، با توجه به روند تدوین قانون اساسی، مواد قانون اساسی و نیز قانون انتخابات از جهت اینکه در یک پارلمان انتخابی دمکراتیک تدوین و تصویب شده‌اند، مشروعیت رویه‌ای کسب کرده‌اند. درحالی که در فیلیپین، هرچند که قانون اساسی نهایتاً از طریق فراندوم

1. Cronyism

2. See Teehankee, Sulistyono and Kokpol in This Volume

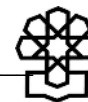
3. See the chapter on Thailand by Orathai Kokpol. For a Comparative Examination, see Croissant, 2002a.

تصویب شد، پیش‌نویس آن توسط کمیسیون قانون اساسی رئیس‌جمهوری تدوین شده بود. در کامبوج، قوانین و مقررات انتخاباتی ابتدا به وسیله یک نهاد خارجی (سازمان ملل) تدوین شد و قبل از انتخابات سال ۱۹۹۸ پیش‌نویس آن مطابق با منافع و محاسبات استراتژیک عوامل داخلی تغییر یافت. در مالزی و سنگاپور قوانین و مقررات انتخاباتی از فرآیند کسب استقلال پدید آمده‌اند. پس از آن، تغییرات در قوانین و مقررات انتخاباتی به‌طور یک‌جانبه توسط احزاب حاکم ایجاد شده است. در اندونزی، قانون انتخابات در نهایت توسط پارلمان که اعضای آن در سال ۱۹۹۷ انتخاب شده بودند، یعنی توسط یک رکن حکومتی فاقد مشروعیت دمکراتیک، تدوین شده است. با این حال، برخلاف کره جنوبی، کل فرآیند تصویب قانون انتخابات با مباحثات عمومی قوی و نیرومند همراه شده است. چند تن از گروه‌های جامعه مدنی و دانشگاهیان نیز پیشنهادهایی را ارائه کرده‌اند. سازمان‌های خارجی نیز منبع ورودی دیگری بودند. اگرچه قانون انتخابات در اندونزی توسط یک ارگان حکومتی غیردمکراتیک تدوین شده، با این حال، این فرآیند بسیار اجماع‌گرا و فراگیر بود، در حالی که در کره جنوبی همراه با تعارض و درگیری و به شکل انحصاری بوده است.

جالب توجه است که به نظر می‌رسد بسیاری از نظام‌های انتخاباتی ریشه‌های تاریخی خود را حفظ کرده‌اند. در مواردی که دمکراسی تازه کاری می‌توانسته از تجارب دمکراتیک قبل از خود نشئت بگیرد نظام قدیمی را با اعمال تغییرات و اصلاحات جزئی ابقا کرده است، چیزی که در فیلیپین رخ داد. کره جنوبی، اندونزی و تایلند بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۸ نظام انتخاباتی گذشته استبدادی خود را تنها با اعمال اصلاحات جزئی (مورد کره و اندونزی) یا حتی بدون اعمال تغییرات (مورد تایلند) حفظ کردند. مالزی و سنگاپور (قبل از سال ۱۹۹۸) نظام انتخاباتی استعمار بریتانیا را پذیرفته و تصویب کردند. کامبوج در این زمینه یک استثناست، زیرا نظام نمایندگی تناسبی مصرح در قانون انتخابات سازمان ملل شکاف و گسست عمیقی را با سنت نظام‌های اکثریتی و اکثریت نسبی این کشور ایجاد کرده است. موجب شگفتی است، احزاب کامبوج برخی از انواع نظام‌های اکثریتی را ترجیح می‌دانند در حالی که در توافقنامه پاریس (۱۹۹۱) اصول اساسی نظام انتخاباتی قبلاً به نفع یک نظام نمایندگی تناسبی مقرر شده بود. «هارتمن»^۱ توضیح می‌دهد که تصمیم به مقرر ساختن نظام نمایندگی تناسبی در کامبوج - برخلاف سنت نهادی این کشور - شدیداً تحت تأثیر سازمان ملل و مدل اعلامیه انتخاباتی نامیبیا - که به وسیله سازمان ملل برای انتخابات مجلس قانون اساسی سال ۱۹۸۹ در نامیبیا تهیه و تدوین شده بود - قرار داشت.

به استثنای کامبوج، [در سایر کشورها] وابستگی آشکاری به سنت‌های نهادی نظام‌های

1. Hartmann, 2001, PP 59.



انتخاباتی دیده می‌شود. علی‌رغم اینکه در اغلب این کشورها، در روند گذار از دیکتاتوری به دموکراسی فرصت خوبی برای کارگزاران وجود داشت که دست به کنش سیاسی بزنند و از وضعیت بلا تکلیفی قانونی برای عبور از تصمیمات نهادی - که طی چندین دهه قبل، تحت شرایط متفاوت و یا به وسیله بازیگران سیاسی دیگری اتخاذ شده بود - استفاده کنند، آنها اقبالی به این کار نشان ندادند. تنها پس از اصلاحات مهم قانون اساسی در سال ۱۹۹۸ تایلد این مسیر را ترک گفته است. اصلاحات انتخاباتی این کشور در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ پیامدهای گسترده‌ای برای سیاست‌های انتخاباتی در پی داشته است: انتخابات مستقیم برای اولین بار برای راهیابی به سنا برگزار شد، قوانین و مقررات انتخاباتی جدیدی برای مجلس نمایندگان مقرر و نظام مختلط جایگزین آن شد. این موارد نشان می‌دهند، که استمرار مسیر سازمان‌ها و نهادها موجب شکل‌گیری سرنوشت محتوم و تغییرناپذیر نهادی نشده است که تصمیم‌گیران سیاسی و سیاستمداران را الی‌الابد به همدیگر متصل کند. با این حال، برای بازیگران سیاسی، ترک مسیرهایی که سیاستمداران نسل‌های پیشین تأسیس کرده‌اند، بسیار دشوار و اغلب نامطلوب است.

چنین گرایشی، زمانی که نظام‌های انتخاباتی کنونی با نظام‌های مورد استفاده قبلی این کشورها مقایسه می‌شوند، به وضوح قابل مشاهده است. جدول ۲ نشان می‌دهد که پنج کشور از هفت کشور مورد مطالعه تنها چند شکل از اشکال نظام‌های اکثریت نسبی (از جمله نظام‌های مختلط)^۱ را تجربه کرده‌اند اما هرگز نظام‌های نمایندگی تناسبی را مورد استفاده قرار نداده‌اند.

۱. نظام انتخاباتی مختلط (segmented system) به معنی نظامی است که مرکب از چند نظام انتخاباتی است. مثلاً در اواسط دهه ۱۹۹۰، مجلس قانونگذاری ژاپن نظام سگمنتال را مرکب از ۳۰۰ کرسی تخصیص یافته در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفری و ۲۰۰ (سال ۱۹۹۶) یا ۱۸۰ (سال ۲۰۰۰) کرسی تخصیص یافته به وسیله نظام نمایندگی تناسبی همراه با نظام لیستی بسته تصویب کرد (م).

جدول ۲. مسیر توسعه تاریخی نظام‌های انتخاباتی در آسیای شرقی و جنوب شرقی^۱

| سایر نظام‌های اعمال شده در گذشته | | نظام کنونی | | کشور |
|----------------------------------|--|------------|---|---------|
| سال | نوع* | سال اجرا | نوع* | |
| ۱۹۶۷-۱۹۸۱ | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره یا چندنفره | ۱۹۹۳ | نظام نمایندگی تناسبی و نشانه‌های کوچکی از نظام اکثریت نسبی با حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره | کامبوج |
| ۱۹۴۸-۱۹۶۰ | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره | ۱۹۶۳ | نظام مختلط | کره |
| - | - | ۱۹۵۵ | نظام نمایندگی تناسبی | اندونزی |
| - | - | ۱۹۵۵ | نظام اکثریت نسبی | مالزی |
| ۱۹۰۷-۱۹۸۶ | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره یا چندنفره | ۱۹۸۷ | نظام مختلط | فیلیپین |
| - | - | ۱۹۶۸ | نظام اکثریت نسبی | سنگاپور |
| ۱۹۳۷-۱۹۹۷ | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره یا چندنفره | ۱۹۹۸ | نظام مختلط | تایلند |

* سطوح تخصیص کرسی و فرمول انتخاباتی در نظام‌های نمایندگی تناسبی و نظام‌های اکثریت نسبی به شکل قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. برای جزئیات به جدول ۳ مراجعه کنید.

از مجموع هفت کشور، تنها کامبوج و اندونزی نظام نمایندگی تناسبی را مورد استفاده قرار می‌دهند. نظام‌های اکثریتی و اکثریت نسبی به‌طور گسترده در آسیای اقیانوسیه، منطقه‌ای متشکل از جمهوری خلق چین، تایوان، کره جنوبی و شمالی و در کشورهای آسیای جنوب شرقی مورد استفاده قرار می‌گیرند.^۲

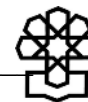
جدول ۳. نوع نظام انتخاباتی در آسیای اقیانوسیه^۳ (مجلس اول یا تنها مجلس موجود)

| کشور | مجلس اول یا تنها مجلس موجود | نظام انتخاباتی | فرمول انتخاباتی |
|---------|-----------------------------|---|---|
| برونئی | انتخاباتی وجود ندارد | - | - |
| کامبوج | مجلس ملی | نظام نمایندگی تناسبی در حوزه‌های انتخابیه چندنفره - نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره | حد نصاب هیر ^(۱) - فرمول دهونت ^(۲) و اکثریت نسبی |
| اندونزی | هیئت نمایندگی مردم | نظام نمایندگی تناسبی | حد نصاب هیر-بیشترین باقیمانده ^(۳) |

1. Author's Compilation Based on Information From Nohlen, Grotz and Hartmann, 2001, PP 1-45.

2. According to the definition of Faust, 2001, P 18.

3. See Table 2; Additional Information From The Chapters of this Book



| کشور | مجلس اول یا تنها مجلس موجود | نظام انتخاباتی | فرمول انتخاباتی |
|----------------|---------------------------------------|--|---|
| لائوس | مجلس عالی ملی | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه چندنفره | اکثریت نسبی |
| مالزی | مجلس نمایندگان | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره | اکثریت نسبی |
| سنگاپور | پارلمان | نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره و حوزه انتخابیه چندنفره کوچک و متوسط | اکثریت نسبی |
| ویتنام | مجلس ملی | نظام اکثریت مطلق در حوزه‌های انتخابیه چندنفره کوچک | اکثریت مطلق |
| جمهوری خلق چین | انتخابات مستقیم در سطح ملی وجود ندارد | - | - |
| فیلیپین | مجلس نمایندگان | نظام مختلط | اکثریت نسبی و ۲ درصد کل آرای نظام لیست حزبی |
| تایلند | مجلس نمایندگان | نظام مختلط | اکثریت نسبی و ۵ درصد کل آرای معتبر |
| ژاپن | مجلس نمایندگان | نظام مختلط | اکثریت نسبی و یک‌ششم کل آرای معتبر برای نظام لیست حزبی |
| کره شمالی | مجلس عالی مردم | نظام اکثریت مطلق در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره | اکثریت مطلق |
| کره جنوبی | مجلس ملی | نظام مختلط | اکثریتی و ۵ درصد یا ۳ الی ۵ درصد کل آرا یا کرسی‌های معتبر برای نظام لیستی - حد نصاب هیر - بیشترین باقیمانده |
| تایوان | یوان قانونگذاری | نظام رأی غیرقابل انتقال واحد به همراه یک لیست ملی اضافی | اکثریت نسبی و ۵ درصد کل آرای معتبر - حد نصاب هیر - روش نایمیر ^(۴) |

(۱) حد نصاب هیر (Hare quota) یک فرمول انتخاباتی است که در دانمارک و کاستاریکا حاکم است. در این روش تعداد کل آرای معتبر در هر حوزه انتخابیه، به تعداد کل کرسی‌هایی که بایستی به آن حوزه‌ها اختصاص یابند، تقسیم می‌شود(م).

(۲) فرمول دهونت (d'Hondt) روشی است که در آن آرای فهرست‌های مختلف به ترتیب به اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ... تقسیم می‌شود. این روش مستلزم آن است که آرای هر حزب به‌طور متوالی به یکسری مقسوم‌علیه‌هایی تقسیم شوند و به این ترتیب کرسی‌ها به احزابی اختصاص یابند که در نهایت بالاترین خارج قسمت را کسب کنند. این روند پی در پی ادامه می‌یابد تا اینکه کل کرسی‌های خالی پر شوند(م).

(۳) بیشترین باقیمانده (largest remainder) یکی از فرمول‌های تخصیص کرسی در انتخابات تناسبی است(م).

(۴) روش نایمیر (Niemeyer) فرمول تخصیص کرسی است. روشی که تأمین‌کننده تناسب بین کرسی‌های تعلق گرفته به افراد، با آرای است که برای لیست‌های حزبی ریخته شده است(م).

به‌استثنای کامبوج و اندونزی، تمام نظام‌های انتخاباتی مورد عمل در منطقه در انتخابات مجلس قانونگذاری (مجلس اول یا تنها مجلس موجود) را می‌توان به‌عنوان نظام‌های اکثریت نسبی طبقه‌بندی کرد. لائوس، ویتنام و کره شمالی به‌ترتیب نظام‌های اکثریت مطلق را در حوزه‌های انتخابیه چندنفره و حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره مورد استفاده قرار داده‌اند که به نظر می‌رسد ادعای شبه‌دمکراتیک ایدئولوژی کمونیستی آنان را منعکس می‌سازد. مالزی و سنگاپور نظام اکثریت نسبی را در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره مورد استفاده قرار داده‌اند، نظامی که «مادر» همه نظام‌های انتخاباتی است. البته، سنگاپور در سال ۱۹۸۸ زمانی که پارلمان اصلاحیه‌ای را بر قانون انتخابات وضع کرد و در آن نظام رأی بلوکی اضافی^۱ را در حوزه‌های انتخابیه نمایندگی گروهی معرفی کرد، از این نظام فاصله گرفت.^۲ قانون اساسی فیلیپین نظام اکثریت نسبی را همراه با یک لیست تناسبی که هیچ‌گونه اثر و فایده تصحیحی نداشته مقرر کرده است. این نظام قبل از انتخابات عمومی در سال ۱۹۹۸ مورد استفاده قرار نمی‌گرفت.^۳ تایلند بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ نظام اکثریت نسبی را در حوزه‌های انتخابیه کوچک چندنفره (یک تا سه کرسی)، با امکان رأی‌دهی مضاعف برقرار کرده بود. در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، طی فرآیند اصلاحات بنیادین در قانون اساسی، نظام اکثریت نسبی همراه با لیست تناسبی (نظام مختلط) به تصویب رسید و برای اولین بار در آوریل ۲۰۰۱ مورد استفاده قرار گرفت. نظام انتخاباتی در تایوان ترکیبی است از نظام رأی غیرقابل انتقال واحد^۴ همراه با لیستی اضافی برای حوزه انتخابیه ملی و لیست دوم و سوم برای اعضای بومی جوامع چینی خارج کشور. نظام انتخاباتی ژاپن، تا انتخابات سال ۱۹۹۳، نظام رأی غیرقابل انتقال واحد بود. در اواسط دهه ۱۹۹۰، مجلس قانونگذاری ژاپن یک نظام مختلط، مرکب از ۳۰۰ کرسی، که به حوزه‌های انتخابیه تک‌نفری اختصاص یافته بود و ۲۰۰ (سال ۱۹۹۶) یا ۱۸۰ (سال ۲۰۰۰) کرسی را که به وسیله نظام نمایندگی تناسبی همراه با لیست‌های حزبی بسته توزیع شده بودند معرفی کرد.

۲. آثار سیاسی نظام‌های انتخاباتی

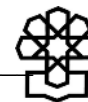
نظام‌های انتخاباتی مشابه می‌توانند آثار و پیامدهای متفاوت و ناهمگونی داشته باشند. بنابراین بررسی دقیق آثار و پیامدهای سیاسی نظام‌های انتخاباتی لازم و ضروری است. سؤال مهم این است: نظام‌های انتخاباتی به کدام طریق می‌توانند مانع تحقق یا موجب توسعه نمایندگی و فراگیری

1. Block Voting

2. For Details see the Chapter By Yeo Lay Hwee in this Volume

3. See Teehankee, This Volume

4. Single Non-Transferable Vote System



نهادهای دموکراتیک، ادغام شهروندان در احزاب سیاسی و تشکیل پارلمان‌ها و دولت‌های توانا به قانونگذاری و حکمرانی شوند؟ سه الزام کارکردی در این خصوص قابل تشخیص است: نمایندگی، یکپارچگی و تصمیم‌گیری.

- نخست؛ انتخابات باید نمایش مردم، یعنی اراده سیاسی رأی‌دهندگان، باشد. بنابراین ضروری است که نظام انتخاباتی آن قدر تناسبی باشد که بتواند طیف گسترده‌ای از منافع اجتماعی متکثر را به‌طور مناسب به احکام سیاسی تبدیل کند. سؤال این است که: آیا نظام‌های انتخاباتی اصل نمایندگی نهادهای منتخب را تقویت می‌کنند؟

- دوم؛ انتخابات باید موجب یکپارچگی مردم باشد. نظام انتخاباتی که توانسته در ادغام و یکپارچه‌سازی مردم توفیق حاصل کند، نظامی است که موجب ظهور و پدیداری احزاب منسجم و نیرومند می‌شود، لذا این نظام انتخاباتی به ائتلاف و ادغام در پارلمان کمک می‌کند و صرفاً موجب پدیداری نمایندگان فردی و مستقل نمی‌شود. سؤال این است: آیا نظام‌های انتخاباتی توسعه نظام حزبی نهادینه شده و سازمان یافته را تشویق می‌کنند؟

- سوم؛ نظام‌های انتخاباتی باید اکثریت‌هایی آن قدر بزرگ ایجاد کنند که بتوانند ثبات حکومت و توانایی آن برای حکمرانی را تضمین کنند. سؤال این است: آیا نظام‌های انتخاباتی قابلیت و توانایی حکمرانی نظام دموکراتیک را تقویت می‌کنند؟

۱-۲. نمایندگی^۱

درجه‌ای که نظام‌های انتخاباتی، بر مبنای آن اصل نمایندگی دموکراتیک نهادهای مردم‌سالار را ترویج می‌کنند، بستگی به درجه تناسبی بودن یا غیرتناسبی بودن آنها دارد. غیرتناسبی بودن به سهم کرسی‌های احزاب نسبت به سهم آرای آنها اشاره دارد.^۲ یکی از پرکاربردترین شاخص‌های ارزیابی عدم تناسب انتخاباتی توسط «آرند لیپهارت»^۳ ارائه شده است. «شاخص عدم تناسب»^۴ ارائه شده توسط وی عبارت است از میانگین تخصیص سهم کرسی - رأی بین دو حزب سیاسی بزرگ در هر انتخابات (انتخابات مجلس اول پارلمان یا تنها مجلس موجود).^۵ برای بررسی تطبیقی از چشم‌اندازی وسیع‌تر، علاوه بر مقیاس‌های موجود در کشورهای مورد مطالعه، مقیاس‌های مربوط به برخی نظام‌های دموکراتیک دیگر در آسیا نظیر ژاپن، نپال، بنگلادش و تایوان نیز در جدول زیر آورده شده است.

1. Representativeness
2. Blais and Maiscotte, 1996, P 67-72; Lijphart, 1994, P 57-77; Taagepara and Shugart, 1989.
3. Arend Lijphart
4. Index of Disproportionality
5. Lijphart, 1984, P 163.

جدول ۴. درجه عدم تناسب انتخاباتی (مجلس اول یا تنها مجلس موجود)^۱

| کشور | انتخابات برگزار شده | | انتخابات مشمول | |
|-----------------------------------|---------------------|-----------------------|----------------|----------------------------|
| | تعداد | درجه عدم تناسب (درصد) | تعداد | میانگین |
| کامبوج (۱۹۹۳-۱۹۹۸) | ۲ | ۵/۴۲ | ۲ | انتخابات اخیر (۱۹۹۸) ۷/۳۰ |
| اندونزی (۱۹۹۹) | ۱ | ۲/۲۵ | ۱ | انتخابات اخیر (۱۹۹۹) ۲/۲۵ |
| کره (۱۹۸۸-۲۰۰۰) | ۴ | ۷/۰۰ | ۴ | انتخابات اخیر (۲۰۰۰) ۸/۲۵ |
| مالزی (۱۹۵۵-۱۹۹۹) | ۱۱ | ۱۴/۷۵ | ۱۱ | انتخابات اخیر (۱۹۹۹) ۱۰/۲۵ |
| فیلیپین (۱۹۸۷-۲۰۰۱) | ۵ | ۴/۴۶ ^(۱) | ۴ (۱۹۸۷-۱۹۹۸) | انتخابات اخیر (۱۹۹۸) ۲/۶۰ |
| سنگاپور (۱۹۵۵-۱۹۹۷) | ۱۱ | ۲۲/۴۴ | ۷ (۱۹۶۷-۱۹۹۷) | انتخابات اخیر (۱۹۹۷) ۲۲/۸۰ |
| تایلند (۱۹۹۲-۲۰۰۱) | ۴ | ۲/۷۰ | ۴ | انتخابات اخیر (۲۰۰۱) ۶/۰۴ |
| تایوان (۱۹۹۲-۲۰۰۱) ^(۲) | ۴ | ۴/۲۰ | ۴ | انتخابات اخیر (۲۰۰۱) ۴/۳۰ |
| بنگلادش (۱۹۹۱-۱۹۹۶) | ۲ | ۸/۴۰ | ۲ | انتخابات اخیر (۱۹۹۶) ۸/۲۰ |
| نیپال (۱۹۹۱-۱۹۹۹) | ۳ | ۹/۰۰ | ۳ | انتخابات اخیر (۱۹۹۹) ۹/۸۰ |
| ژاپن (۱۹۴۷-۲۰۰۰) | ۲۰ | ۴/۸۰ | ۲۰ | انتخابات اخیر (۲۰۰۰) ۷/۶۰ |
| میانگین | - | ۷/۰۶ | - | ۷/۶۰ |
| انحراف معیار | - | ۴/۹۸ | - | ۵/۲۸ |

توضیح: تنها احزاب سیاسی یا ائتلاف‌هایی که حداقل یک درصد کل آرای معتبر را کسب کرده‌اند، محاسبه شده‌اند.

(۱) کمیسیون انتخابات فیلیپین (کم‌الکت) اطلاعات کافی در مورد انتخابات سال ۲۰۰۱ ارائه نداد.

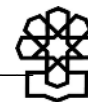
(۲) به استثنای نظام لیست حزبی.

(۳) فقط اطلاعات مربوط به انتخابات بعد از استقلال در دسترس بود.

(۴) انتخابات یوان قانونگذاری.

ستون چهارم جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین درجه عدم تناسب از یک درجه حداقلی ۲/۲۵ درصدی در اندونزی تا یک درجه حداکثری ۲۲/۴۴ درصدی در سنگاپور متغیر است. خط مرز روشنی بین نظام‌های انتخاباتی اکثریت نسبی و نمایندگی تناسبی درخصوص عدم تناسب انتخاباتی وجود دارد، اگرچه می‌توانیم مصادیق نادری را نیز بیابیم که این موضوع نسبت به آنها صدق نمی‌کند. باید به نظام نمایندگی تناسبی کامبوج (همراه با نشانه‌های کوچکی از نظام اکثریت نسبی) و اندونزی نمره بالایی برای نمایندگی‌شان داده شود. البته ژاپن نیز با نظام انتخاباتی رأی غیرقابل انتقال/واحد تا سال ۱۹۹۶ و نظام انتخاباتی مختلط از سال ۱۹۹۶ به بعد و نیز نظام اکثریت نسبی تایلند با حوزه‌های انتخابیه چندنفره که قبل از سال ۲۰۰۰ معمول بود، مثل اندونزی و کامبوج نمره بالایی می‌گیرند. اما بقیه نظام‌های اکثریت نسبی نسبت به نظام‌های نمایندگی تناسبی از لحاظ درجه عدم تناسب در رتبه پایین‌تری قرار می‌گیرند. نظام‌های مختلط در کره جنوبی (از سال ۱۹۸۸) و تایلند (۲۰۰۱) و نظام‌های اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه یک‌نفره معمول در بنگلادش و نیپال به

1. Teehankee, this volume; Croissant, this Volume (South Korea chapter); Croissant, 2002c; Hartmann, 2001; Rieger, 2001; Rueland, 2001; Tan, 2001.



نحو قابل توجهی عدم تناسب زیادی را ایجاد کرده‌اند. ویژگی درجه پایین نمایندگی در نظام‌های اکثریت نسبی مالزی و سنگاپور قابل ملاحظه است.

جدول ۵. گروه‌بندی نظام‌های انتخاباتی براساس درجه عدم تناسب انتخاباتی^۱

| آخرین انتخابات | میانگین | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|-----------------|
| اندونزی، فیلیپین و تایوان | اندونزی، فیلیپین، تایلند و تایوان | عدم تناسب پایین |
| بنگلادش، کامبوج، ژاپن، کره و تایلند | بنگلادش، کامبوج، ژاپن، کره و نپال | متوسط |
| مالزی، نپال و سنگاپور | مالزی و سنگاپور | عدم تناسب بالا |

نظام‌های انتخاباتی آسیا، با توجه به درجات عدم تناسبشان در سه گروه عمده جای می‌گیرند: گروه اول شامل نظام‌هایی با عدم تناسب پایین می‌شود که منتج به تبدیل مناسب طیف گسترده‌ای از منافع اجتماعی متکثر به احکام سیاسی و نمایندگی بالا در پارلمان می‌شوند. این گروه عمدتاً نظام‌های نمایندگی تناسبی و نظام‌های مختلط را شامل می‌شود. گروه دوم موارد متوسطی - مواردی که در اطراف میانگین قرار دارند - را شامل می‌شود که سابقه میانگینی از انعکاس منازعات و تقاضاهای اجتماعی و تبدیل تصمیمات رأی‌دهندگان به کرسی در پارلمان، از خود نشان می‌دهند. در نهایت گروه سوم شامل نظام‌های انتخاباتی است که درجه بالا یا خیلی بالایی از عدم تناسب انتخاباتی را ایجاد می‌کنند و لذا از سابقه نمایندگی ضعیفی برخوردارند.

تغییر رویکرد در نحوه تخصیص کرسی براساس رأی در نتیجه اصلاحات انتخاباتی، قابل توجه است. از قضا، این امر در مورد نظام مختلط تایلند که در آن درجه عدم تناسب انتخاباتی پس از معرفی اجزای نظام نمایندگی تناسبی به‌طور قابل ملاحظه افزایش یافته، صدق می‌کند. همین امر در مورد نظام لیست حزبی فیلیپین که برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ و بار دیگر در سال ۲۰۰۱ مورد عمل قرار گرفت، صدق می‌کند. در هر دو بار، این نظام اثر عدم تناسب فوق‌العاده‌ای را ایجاد کرده است. اما اساسی‌ترین تغییرات در سنگاپور و مالزی اتفاق افتاد. در سنگاپور عدم تناسب انتخاباتی از ۲۲/۰۵ درصد در سال ۱۹۸۴ به ۲۶/۱۵ درصد در سال ۱۹۸۸، افزایش یافت. چنین افزایشی زمانی صورت گرفت که پارلمان لایحه‌ای را برای ایجاد نظامی به نام حوزه‌های انتخابیه نمایندگی گروهی (جی آر سی)^۲ ارائه داد که در آن رأی‌دهندگان از بین لیست‌های بسته اقدام به

۱. انحراف معیار میانگین عدم تناسب انتخاباتی ۴/۹۸ و انحراف معیار آخرین انتخابات ۵/۲۸ است؛ حد وسط ۷/۱ و ۷/۶ است. ارقام انحراف معیار که از حد وسط، بیش از ۰/۵ کمتر یا بیشتر باشند، نشان‌دهنده وضعیت‌های شدید و ارقام مابین آن نشان‌دهنده وضعیت‌های متوسط و متعادلند.

2. Group Representation Constituencies (GRCs)

انتخاب کرده و لیست برنده شده تمام کرسی‌ها را تصاحب می‌کرد.^۱ بدیهی است تنها حزب حاکم از این اصلاحات سود برد؛ اعمال اصلاحات بیشتر در جهت گسترش تعداد و اندازه نظام حوزه‌های انتخابیه نمایندگی گروهی (جی آر سی) عدم تناسب نظام را به نفع حزب حاکم تضمین کرد. در مالزی عدم تناسب انتخاباتی افزایش فوق‌العاده‌ای را از زمان انتخابات عمومی سال ۱۹۷۴، یعنی نخستین انتخابات پس از درگیری‌های قومی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ داشته است. درحالی که میانگین عدم تناسب در چهار انتخابات برگزار شده قبل از سال ۱۹۷۴ حدود ۸/۹۸ درصد بوده است، این میانگین در سه دهه بعد، از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۹، ۱۵/۶۹ درصد بوده است. همان‌طور که «لیم هونگ‌های»^۲ در تحلیل خود نشان می‌دهد، تخصیص نامناسب به نفع احزاب «بومپوترا»^۳ که از پایگاه‌های امنی در مناطق روستایی با حوزه‌های انتخابیه عمدتاً مالزیایی برخوردارند، متغیر کلیدی برای توضیح عدم تناسب بالا در مالزی است. در هر دو مورد، نظام انتخاباتی با ویژگی عدم تناسب بالا شناخته شده است که به نفع حزب سیاسی خاصی - یعنی حزب حاکم اکثریت، یا چیزی که در مالزی ائتلاف حاکم گفته می‌شود - است. این نظام انتخاباتی همچنین مانع نمایندگی احزاب مخالف می‌شود.

یکی دیگر از شاخص‌های اندازه‌گیری، شاخص عدم تناسب «تیم‌بیشه»^۴ یعنی شاخص «Erep» (به‌جای نمایندگی انتخابات) است که به صورت زیر محاسبه می‌شود: تفاوت‌های بین درصدهای کرسی و درصدهای رأی هر حزب جمع بسته می‌شوند؛ جمع به دست آمده تقسیم بر ۲ می‌شود (برای ایجاد تعادل بین نمایندگی بیش از حد و پایین‌تر از حد)؛ و در نهایت این مقدار از ۱۰۰ کسر می‌شود.^۵ هر اندازه که عدد به دست آمده به رقم ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد به همان اندازه نظام انتخاباتی تناسبی‌تر است. تأثیر اکثریتی^۶ نظام‌های انتخاباتی در مرحله بعد اندازه‌گیری می‌شود. به‌منظور انجام این کار، بیشه شاخص دومی را معرفی می‌کند: شاخص $Erep_1$ (نمایندگی انتخابات + قوی‌ترین حزب).^۷ محاسبه این شاخص شبیه شاخص «Erep» است: تفاوت بین درصدهای کرسی و درصدهای رأی قوی‌ترین حزب جمع بسته و کل آن تقسیم بر ۲ می‌شود. سپس رقم به دست آمده «Erep» از رقم به دست آمده $Erep_1$ کسر می‌شود. رقم حاصل از تفریق بین شاخص «Erep» و $Erep_1$ نشان‌دهنده کرسی‌های اضافی کسب شده توسط قوی‌ترین حزب است که حاکی از تأثیرات

1. Rieger, 2001, P 243.

2. Lim Hong Hai

3. Bumiputra

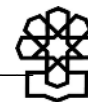
4. Timm Beichelt

5. Erep (for Election Representativeness)

6. Timm Beichelt. 1998, P 611.

7. Majoritarian Effect

8. Erep1 (ELECTIONRepresentativeness + 1st strongest party)



اکثریتی یک نظام انتخاباتی است.^۱

هر اندازه که رقم حاصل از تفریق شاخص “Erep”-^Erep₁ بیشتر باشد، به همان اندازه نظام انتخاباتی، نمایندگی بیش از حد (افراطی) را به احزاب قوی اختصاص می‌دهد و بنابراین به همان اندازه به ایجاد اکثریت‌های سیاسی در پارلمان کمک می‌کند. جدول ۶ نشان می‌دهد که نظام‌های انتخاباتی تا چه اندازه به ایجاد اکثریت‌های سیاسی در پارلمان از طریق اعطای نمایندگی بیش از حد به احزاب قوی، کمک می‌کنند.^۲

جدول ۶. نمایندگی^۳

| کشور | میانگین “Erep” | میانگین (Erep ₁) | میانگین “Erep”- ^E rep ₁ در آخرین انتخابات |
|---------------------|----------------|------------------------------|---|
| کامبوج (۱۹۹۳-۱۹۹۸) | ۹۱/۳۵ | ۹۶/۵۲ | ۳/۳۵ |
| اندونزی (۱۹۹۹) | ۹۵/۳۰ | ۹۸/۵۰ | ۳/۲۰ |
| کره (۱۹۸۸-۲۰۰۰) | ۸۸/۱۶ | ۹۴/۹۷ | ۶/۴۰ |
| مالزی (۱۹۵۵-۱۹۹۹) | ۷۷/۷۷ | ۸۹/۴۲ | ۱۰/۰۵ |
| فیلیپین (۱۹۸۷-۱۹۹۸) | ۸۶/۲۰ | ۹۷/۰۵ | ۴/۰۰ |
| سنگاپور (۱۹۶۸-۱۹۹۷) | ۷۳/۰۱ | ۸۵/۸۵ | ۱۵/۱۶ |
| تایلند (۱۹۹۲-۲۰۰۱) | ۹۱/۴۲ | ۹۴/۷۹ | ۶/۳۴ |
| تایوان (۱۹۹۲-۲۰۰۱) | ۹۵/۵۱ | ۹۶/۷۸ | ۲/۸۴ |
| بنگلادش (۱۹۹۱-۱۹۹۶) | ۸۶/۵۰ | ۹۳/۲۰ | ۹/۲۰ |
| نپال (۱۹۹۱-۱۹۹۹) | ۸۲/۸۸ | ۹۲/۹۸ | ۱۰/۶۰ |
| ژاپن (۱۹۴۷-۲۰۰۰) | ۹۱/۷۷ | ۹۶/۱۷ | ۶/۸۶ |
| حد وسط | ۸۸/۱۶ | ۹۴/۹۷ | - |
| انحراف معیار | ۶/۷۵ | ۳/۵۴ | - |

1. Beichelt, 1998, P 611.

2. Three Communal Parties Formed the Alliance Before the 1955 Elections. The National Front (BN) Bbecame the Successor of the Alliance in 1974. In the 1999 Elections, the BN Consisted of 14 Political Parties; See Lim Hong Hai in this Volume.

۳. بنگرید به جدول ۴.

جدول ۷. رتبه‌بندی براساس نمایندگی

| نمایندگی بیش از حد پایین | متوسط | نمایندگی بیش از حد بالا | Erep ¹ -“Erep“ “Erep“ |
|-----------------------------|-----------------------|----------------------------|-------------------------------------|
| - | - | مالزی، نپال و سنگاپور | عدم تناسب پایین |
| تایلند | بنگلادش، کامبوج و کره | فیلیپین | متوسط |
| اندونزی، ژاپن و تایوان | - | - | عدم تناسب بالا |

توضیح: انحراف معیار استاندارد برای میانگین “Erep” ۶/۷۵ و برای میانگین (“Erep¹”) ۲/۷۰ است. حد وسط به ترتیب خاص ۸۸/۱۶ و ۶/۷ است. ارقام انحراف معیار بیش از ۰/۵ کمتر یا بیشتر از حد وسط، وضعیت‌های شدید و ارقام بین آن وضعیت‌های متوسط را نشان می‌دهد. بالاترین رقم میانگین “Erep” نشان‌دهنده تناسب انتخاباتی بالا و بالاترین رقم میانگین (“Erep¹”) نشان‌دهنده اعطای نمایندگی بیش از اندازه و افراطی است.

جای شگفتی نیست که ارتباطی قوی بین عدم تناسب و نمایندگی بیش از حد قوی‌ترین حزب وجود دارد. نظام‌های انتخاباتی در سنگاپور، مالزی و نپال ترکیبی از سابقه ضعیفی از نمایندگی با آثار شدید اکثریت، یعنی اعطای نمایندگی بیش از حد به قوی‌ترین حزب یا ائتلاف‌اند. در حالت دیگر اندونزی، ژاپن و تایوان قرار دارند. در این نظام‌ها یک تناسب انتخاباتی بالا همراه با آثار اکثریتی ناچیزی با هم ترکیب و تلاقی یافته‌اند و بالاخره، نظام‌های انتخاباتی کره، بنگلادش و کامبوج درجه متوسطی از عدم تناسب انتخاباتی را با اختصاص نسبتاً اندک کرسی اضافی به بزرگ‌ترین^۱ حزب ترکیب می‌کنند. تایلند و فیلیپین از این مسیر منحرف شده‌اند. درحالی که نظام انتخاباتی تایلند نسبت به پیش‌بینی‌های مربوط به درجه متوسط عدم تناسب، کمتر اکثریتی است، نظام انتخاباتی فیلیپین با اعطای نمایندگی بیش از حد به حزب حاکم شناخته می‌شود، هرچند که درجه عدم تناسب این نظام در حد متوسط است.^۲

۲-۲. چندپارگی نظام حزبی^۳

نظام انتخاباتی نه تنها نمایندگی نهادهای دمکراتیک، بلکه ساختار نظام حزبی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. یک نظریه معروف در سیاست تطبیقی اصطلاحی است که موریس دوورژه با عنوان «قانون جامعه‌شناسی» معرفی کرده است: نظام اکثریت نسبی به نفع سیستم دوحزبی است، برعکس، نظام‌های نمایندگی تناسبی و نظام‌های دو دوری^۴ به نظام چندحزبی می‌انجامد.^۵ دوورژه این تأثیرات

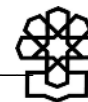
1. A Moderate Seat Bonus

۲. یعنی اگرچه هر دو کشور از لحاظ عدم تناسب انتخاباتی در رتبه متوسط و معتدل قرار دارند، اما اثر اکثریتی در تایلند ناچیز است ولی در فیلیپین اثر اکثریتی باعث شده است که یک نمایندگی افراطی به حزب حاکم اعطا شود.(م)

۳. Party System Fragmentation ناظر به تعداد احزاب در یک نظام حزبی است. هر چه تعداد احزاب بیشتر باشد چندپارگی بیشتر است.

4. Two – Bullet System

5. Maurice Duverger, 1964, PP 217-226.



متفاوت را برحسب عوامل «مکانیکی» و «روانی» توضیح می‌دهد. تأثیر مکانیکی قاعده اکثریت نسبی این است که اعطای نمایندگی به تمامی احزاب بجز دو حزب قوی به شکل نامناسب صورت گرفته است، زیرا این احزاب در هر حوزه انتخابیه گرایش به شکست دارند. عامل روانی موجب تقویت عامل مکانیکی می‌شود، زیرا رأی‌دهندگان فوراً متوجه می‌شوند اگر همچنان به انتخاب حزب سوم ادامه دهند، رأی آنها هدر خواهد رفت. بنابراین رأی‌دهندگان به انتقال رأی خود به یکی از دو حزب بزرگ متمایل می‌شوند. عامل روانی در یک قالب «حمایتی» نیز عمل می‌کند: سیاستمداران نمی‌خواهند سرمایه سیاسی خود را به واسطه اعلام داوطلبی از جانب حزب سومی که هیچ‌گونه برتری و امتیازی ندارد از دست بدهند، برعکس، آنان برای بهبود فرصت‌های خود برای نامزدی به احزاب قوی ملحق خواهند شد.

روش مفید برای کشف تأثیرات عامل مکانیکی دوورژ، مقایسه تعداد واقعی و مؤثر احزاب است. بازم، برای بررسی تطبیقی بهتر نتایج انتخاباتی، مقیاس‌های مربوط به ژاپن، نپال، بنگلادش و تایوان نیز ارائه می‌شود. مقایسه بین تعداد احزاب مؤثر در انتخابات (براساس تعداد آرای مأخوذه) و تعداد احزاب مؤثر در پارلمان (براساس تعداد کرسی‌های کسب شده) نشان می‌دهد که تمامی نظام‌های انتخاباتی، تمرکز خود را بر نظام‌های حزبی گذاشته‌اند. این امر باعث می‌شود که تعداد احزاب مؤثر در پارلمان در قیاس با تعداد احزاب مؤثر در انتخابات کمتر باشد. تأثیر عامل مکانیکی دوورژ به صورت تجربی قابل فهم است، به این معنا که نظام‌های اکثریت نسبی در مقایسه با نظام‌های نمایندگی تناسبی، تعداد احزاب مؤثر کمتری در پارلمان به وجود می‌آورند. این تفاوت در نپال، بنگلادش، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی در بالاترین و در اندونزی، تایوان، کامبوج، ژاپن و تایلند در پایین‌ترین حد است.

جدول ۸. تعداد احزاب مؤثر و علائم و نشانه‌های عدم نمایندگی^۱

| کشور | تعداد مؤثر احزاب در انتخابات (الف)* | تعداد مؤثر احزاب در پارلمان (ب) | تفاوت بین الف و ب |
|-----------------------------|-------------------------------------|---------------------------------|-------------------|
| کامبوج (میانگین ۱۹۹۹-۱۹۹۳) | ۲/۸۱ | ۲/۳۹ | ۰/۴۲ |
| اندونزی (۱۹۹۹) | ۵/۰۵ | ۴/۸۷ | ۰/۱۸ |
| کره (میانگین ۲۰۰۰-۱۹۸۸) | ۳/۹۹ | ۲/۹۵ | ۱/۰۴ |
| مالزی (میانگین ۱۹۹۹-۱۹۶۸) | ۲/۴۰ | ۱/۶۰ | ۰/۸۰ |
| فیلیپین (میانگین ۲۰۰۱-۱۹۸۷) | ۳/۹۹ (۹۸-۱۹۹۵)** | ۴/۹۰ (۲۰۰۱-۱۹۸۷) | N/A |

۱. در انتخابات مجلس اول یا تنها مجلس موجود، به استثنای احزابی که سهم کرسی یا آرای آنها کمتر از ۱ درصد بوده است.

| کشور | تعداد مؤثر احزاب در انتخابات (الف)* | تعداد مؤثر احزاب در پارلمان (ب) | تفاوت بین الف و ب |
|--------------------------------|-------------------------------------|---------------------------------|-------------------|
| سنگاپور (میانگین ۱۹۶۸-۱۹۹۷) | ۱/۹۶ | ۱/۰۳ | ۰/۹۳ |
| تایلند (میانگین ۱۹۹۲-۲۰۰۱) | ۵/۶۴ | ۵/۰۳ | ۰/۶۱ |
| تایوان (میانگین ۱۹۹۲-۲۰۰۱) | ۳/۰۹ | ۲/۶۹ | ۰/۴۰ |
| بنگلادش (میانگین ۱۹۹۱-۱۹۹۶) | ۴/۰۷ | ۲/۷۹ | ۱/۲۸ |
| نپال (میانگین ۱۹۹۱-۱۹۹۹) | ۳/۸۹ | ۲/۴۸ | ۱/۴۱ |
| ژاپن (میانگین ۱۹۴۷-۲۰۰۰) | ۳/۳۰ | ۲/۸۲ | ۰/۴۸ |

مأخذ: بنگرید به جدول ۴۹.

* For computation see Laakso and Taagepara, 1979, PP 3-27.

** آمار ارائه شده توسط کمیسیون انتخابات (کم الکت) در مورد سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۸۷ و ۲۰۱۱ کافی نبود.

کدام یک از انواع نظام‌های حزبی در آسیا قابل شناسایی‌اند؟ مفهوم نظام‌های حزبی به ساختار تمامی احزاب در یک کشور از جمله الگوهای تعامل بین احزاب (همکاری در برابر رقابت) اشاره دارد. در اینجا دو عامل به‌طور ویژه برجسته می‌شوند: چندپارگی^۱ یک نظام حزبی و قطبی شدن^۲ آن. محقق ایتالیایی - آمریکایی، «جیوانی سارتوری»^۳ با استفاده از این دو عامل، نوع‌شناسی خود را از نظام حزبی توسعه داده است. وی با احصای تعداد «احزاب مطرح»^۴ و تعیین حدود تفاوت ایدئولوژیکی هر یک از آنها، چند نوع از نظام حزبی^۵ را مشخص کرده است. سارتوری سپس به ترکیب متغیرهای چندپارگی و قطبی شدن (ایدئولوژیکی، مذهبی، قومی و غیره) برای ایجاد تفاوت بین دو نوع فرعی در درون هر یک از دو نوع اصلی کثرت‌گرایی محدود و کثرت‌گرایی افراطی می‌پردازد. دو نوع فرعی مذکور عبارتند از: نظام حزبی به‌شدت قطبی شده که در آن رقابت بین احزاب، سمت و سوی مرکزگرای به‌خود می‌گیرد و نظام حزبی کمتر قطبی شده که گرایش‌های

1. Fragmentation

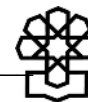
2. Polarization

3. Giovanni Sartori

۴. طبق نظر سارتوری (1976, PP 122-124) هر حزب برای اینکه به‌عنوان یک حزب مطرح شناخته شود باید دو معیار را برآورده کند: اول، حزب باید خود را در موقعیتی قرار دهد که در طول زمان یا در برهه خاصی از زمان، حداقل یکی از اکثریت‌های احتمالی برای تشکیل دولت را تعیین کند (پتانسیل حضور در دولت ائتلافی). ثانیاً، وجودش، یا ظاهرش - از طریق تبدیل رقابت مایل به مرکز به یک رقابت گریز از مرکز - بر تاکتیک‌های رقابت حزبی احزاب دولت‌بنیان تأثیر گذارد (پتانسیل باج‌خواهی). برای مقایسه و تطبیق بین تعداد وسیعی از احزاب ما یک آستانه حداقلی را پیشنهاد می‌کنیم، یعنی کسب حداقل ۱ درصد کرسی‌های پارلمانی معیار حداقلی برای یک حزب به‌منظور شناخته شدن به‌عنوان یک حزب مطرح است.

۵. نظام حزبی هژمونیک (مسلط)، نظام حزبی غالب، نظام دوحزبی، کثرت‌گرایی محدود، کثرت‌گرایی افراطی و نظام حزبی مرکب و مختلط.

6. 1976, chs. 5 and 6.



رقابتی مرکزگرا را به وجود می‌آورد.^۱

جدول ۹. انواع نظام حزبی در آسیای اقیانوسیه^۲

| چندپارگی* | | | زیاد | قطبی شدن** |
|--------------------------|-------------------------|-------------------------|-------|------------|
| کم (نظام دوحزبی یا کمتر) | متوسط (تکثرگرایی محدود) | زیاد (تکثرگرایی افراطی) | | |
| کامبوج و نپال | بنگلادش | اندونزی | زیاد | قطبی شدن** |
| مالزی و سنگاپور | - | فیلیپین | متوسط | |
| - | ژاپن، کره و تایوان | تایلند | کم | |

* مطابق با تعداد احزاب مؤثر پارلمانی. تعداد احزاب مؤثر پارلمانی اگر برابر با فرمول $2.5 < N$ باشد، به معنی چندپارگی پایین، اگر مطابق با فرمول $4.5 < N \leq 2.5$ باشد، به معنی چندپارگی معتدل و متوسط و اگر برابر با فرمول $N \geq 4.5$ باشد، به معنی چندپارگی بالا است.

** این طبقه‌بندی براساس رتبه‌بندی کیفی انجام شده توسط مؤلف صورت گرفته است. تکثرسازی، هم مربوط است به اختلافات و تفاوت‌های ایدئولوژیکی - برنامه‌ای، و هم تکثر در درون پارلمان بین گروه‌های مختلف نژادی، مذهبی و قومی و مخصوصاً رهبران سیاسی (نظیر بنگلادش). در این جدول تنها احزابی که کرسی‌های مجلس اول را به دست آورده‌اند، مورد محاسبه قرار گرفته‌اند. تکثر در داخل نظام حزبی همیشه بیانگر تکثر واقعی در جامعه نیست (نظیر فیلیپین).

جدول فوق نوع نظام حزبی شناخته شده در هر کشور را نشان می‌دهد. محدوده طیف از کثرت‌گرایی افراطی در اندونزی، فیلیپین و تایلند، تا کثرت‌گرایی معتدل در بنگلادش، تایوان (هر دو کشور کمتر از سه حزب مؤثر در پارلمان دارند)، ژاپن و کره، تا نظام‌های دو و نیمه حزبی^۳ در کامبوج و نپال و تا نظام‌های حزبی غالب یا حتی نظام‌های حزبی هژمونیک در مالزی و سنگاپور متغیر است.

اجماع گسترده‌ای در بین دانشمندان وجود دارد که نظام‌های حزبی بر کارآیی و تأثیرگذاری سازمانی و به تبع آن بر قابلیت حکمرانی یک نظام سیاسی تأثیر مثبت دارند؛
 ۱. به شرطی که به‌طور معتدل یا ضعیف چندپارگی شوند؛ زیرا چندگانگی پایین، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اکثریت‌های دولتی را تسهیل کرده و بدین وسیله تصمیم‌گیری را در پارلمان و کابینه تسریع می‌کند؛

۲. به شرطی که به‌طور معتدل یا ضعیف قطبی شوند؛ زیرا قطبی شدن ضعیف خطر تضاد ایدئولوژیکی بین احزاب سیاسی را کاهش می‌دهد که در غیر این صورت می‌تواند به سادگی منجر به رویارویی سیاسی فلج‌کننده و بی‌ثبات‌کننده‌ای شود. برعکس، نظام‌های حزبی شدیداً چندپاره یا

1. 1976, PP 120-134.

2. The effective Number of Parties is Taken from Table 7; Classifications of the Degree of Polarization are Based on Information from the Chapters in this Volume and Croissant and Merkel, 2001.

3. Two-and-a-half Party Systems

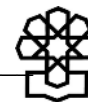
شدیداً قطبی شده، به تأثیرگذاری منفی بر قابلیت حکمرانی گرایش دارند. این‌گونه نظام‌های حزبی مانع تشکیل اکثریت‌های پارلمانی و دولتی شده یا رویارویی شدیدی را بین گروه‌های (اردوگاه‌های سیاسی) مختلف ایدئولوژیکی، قومی یا چندقطبی موجب می‌شوند.

شکنده‌ترین نظام به لحاظ قابلیت حکمرانی و ثبات سیاسی، یعنی نظام کثرت‌گرایی افراطی همراه با قطبی‌گرایی بالا، تنها در اندونزی وجود دارد، در حالی که پنج کشور - سنگاپور، مالزی، ژاپن، کره و تایوان - نظام‌های حزبی به طور ضعیف قطبی شده‌اند با چندپارگی معتدل رو به چندگانگی (بسیار) پایین. جای تعجبی نیست که این کشورها توسط بسیاری از دانشمندان به‌عنوان کشورهای حائز بهترین سابقه حکمرانی، ثبات سیاسی و عملکرد اقتصادی و اجتماعی در منطقه قلمداد می‌شوند. با این حال آنها ضرورتاً دمکراتیک‌ترین رژیم‌های منطقه نیستند. درحالی که در ادبیات موجود، کره، تایوان و ژاپن با داشتن نظام‌های حزبی نوع کثرت‌گرایی محدود، به‌عنوان تثبیت شده‌ترین دمکراسی‌ها در آسیا و اقیانوسیه فهرست‌بندی می‌شوند، مالزی و سنگاپور به‌دلایل مختلف عمدتاً به‌عنوان نظام‌های سیاسی «نیمه - دمکراتیک» مشخص شده‌اند. بررسی‌های «یو لی هوی» و «لیم هونگ هی»^۱ حداقل نشان می‌دهد که هر دو کشور، به دلیل عدم تناسب انتخاباتی، اعطای نمایندگی افراطی به بزرگ‌ترین حزب یا ائتلاف و تبعیض علیه احزاب مخالف، در مرز بین نظام حزبی غالب و نظام حزبی هژمونیک قرار می‌گیرند.

از طرف دیگر، نظام‌های کمتر از سه حزب در بنگلادش، نپال و کامبوج علی‌رغم چندپارگی ضعیف لزوماً موجب تثبیت نظام نمی‌شوند، زیرا آنها شدیداً قطبی شده‌اند و علاوه بر آن، به واسطه جنگ داخلی یا تجربیات شبیه جنگ داخلی (کامبوج و نپال) یا به واسطه نزاع قومی و مذهبی و تضاد بین رهبران سیاسی فردی (بنگلادش) بی‌ثبات شده‌اند. نظام‌های حزبی شدیداً چندپاره در فیلیپین و تایلند ممکن است از آنجا که به واسطه سطوح پایین قطبی‌گرایی، متعادل و متوازن‌اند، تهدید بزرگی بر ثبات سیاسی و دمکراسی تحمیل نکنند. با این حال چندپارگی بالا قطعاً مانعی در برابر کارآیی و تأثیرگذاری سازمانی و به تبع آن، مانعی در برابر قابلیت حکمرانی رژیم‌های دمکراتیک می‌باشد، زیرا آثار و نتایج کاهش‌دهنده سودمندی و کارآیی نظیر کابینه‌های ائتلافی چندحزبی زودگذر و غیرثابت (تایلند)، دولت تقسیم شده (فیلیپین)، بن‌بست‌های متقابل بین احزاب سیاسی و مجالس قانونگذاری زودگذر و پی در پی از خود بروز می‌دهد.^۲ این موضوع را در بخش زیر بررسی می‌کنیم.

1. Yeo Lay Hwee and Lim Hong Hai.

2. See Croissant, 2002b; 2002c.



۳-۲. قابلیت حکمرانی

تعداد احزاب سیاسی، میزان قطبی شدن سیاسی بین آنها، وسعت مشارکت احزاب در دولت و رابطه بین اکثریت‌های پارلمانی و مجریه‌ای، یعنی «دولت‌های تقسیم شده» در رژیم‌های ریاستی یا «کابینه‌های اقلیتی» در رژیم‌های پارلمانی ابعاد بسیار مهمی برای ثبات و اثربخشی دولت‌ها و تداوم سیاست‌های دولتی‌اند.^۱

طبق نظر «دو گلاس دلیو. رای»^۲ تأثیر نظام‌های انتخاباتی بر وسعت مشارکت احزاب سیاسی در دولت را می‌توان از طریق کنکاش در قابلیت این احزاب برای ایجاد به اصطلاح «اکثریت‌های تصنعی» اندازه‌گیری کرد.^۳ اکثریت زمانی تصنعی است که حزبی اقلیت آرا را کسب کند، اما اکثریت کرسی‌ها را به دست آورد. این نوع اکثریت ممکن است با اکثریت‌های اکتسابی، که در آنها یک حزب هم اکثریت آرا و هم اکثریت کرسی‌ها را به دست می‌آورد و با اقلیت‌های طبیعی که هیچ حزبی اکثریت آرا و کرسی‌ها را به دست نمی‌آورد در تضاد باشد.

جدول ۱۰. اکثریت‌ها و اقلیت‌ها در آسیا

| کشور | اکثریت‌های تصنعی (تعداد) | اکثریت‌های اکتسابی (تعداد) | اقلیت‌های طبیعی (تعداد) | انتخابات (تعداد) |
|---------|--------------------------|----------------------------|-------------------------|------------------|
| کامبوج | ۱ | - | ۱ | ۲ |
| اندونزی | - | - | ۱ | ۱ |
| کره | - | - | ۴ | ۴ |
| مالزی | ۱ | ۱۰ | - | ۱۱ |
| فیلیپین | ۱ | - | ۴ | ۵ |
| سنگاپور | - | ۸ | - | ۸ |
| تایلند | - | - | ۴ | ۴ |
| بنگلادش | - | - | ۲ | ۲ |
| ژاپن | ۱۰ | ۴ | ۶ | ۲۰ |
| نپال | ۲ | - | ۱ | ۳ |
| تایوان | ۲ | ۱ | ۱ | ۴ |
| کل | ۱۷ | ۲۳ | ۲۲ | ۶۴ |

مأخذ: همان.

جدول ۱۱ ما را به تفاوت‌گذاری بین دو گروه از نظام‌های سیاسی در آسیا و اقیانوسیه مجاز می‌دارد. گروه اول شامل نظام‌های انتخاباتی با قابلیت بالایی برای ایجاد اکثریت‌های تصنعی و

1. See Tsebelis, 1995; Morgenstern and Nacif, 2002; Figueiredo and Limongi, 2000.

2. W. Rae

3. 1967, P 67.

اکثریت‌های اکتسابی است. گروه دوم متشکل از نظام‌هایی است که اقلیت‌های طبیعی در آنها حاکم‌اند. برخلاف این نظریه، هیچ‌گونه رابطه روشنی بین الگوهای شکل‌گیری اکثریت در پارلمان و نوع نظام انتخاباتی وجود ندارد. درحالی که سه نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌نفره و حوزه‌های انتخابیه چندنفره سابقه خوبی را نشان می‌دهند، سه نظام و همچنین نظام‌های مختلط گرایش روشنی را نشان نمی‌دهند.

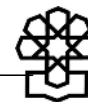
جدول ۱۱. اکثریت‌ها و انواع نظام‌های انتخاباتی در آسیا و اقیانوسیه

| قابلیت پایین برای ایجاد اکثریت‌های تک‌حزبی | | قابلیت بالا برای ایجاد اکثریت‌های تک‌حزبی | | نظام انتخاباتی |
|--|--------------------------------|---|-------------------------------|--|
| تنها اقلیت‌های طبیعی | در کمتر از ۵۰ درصد کل انتخابات | در ۱۰۰ درصد کل انتخابات | در بیش از ۵۰ درصد کل انتخابات | |
| اندونزی | کامبوج* | - | - | نظام‌های نمایندگی تناسبی |
| کره، فیلیپین (۲۰۰۱-۱۹۹۸) و تایلند (۲۰۰۱) | - | - | ژاپن و تایوان | نظام‌های مختلط |
| تایلند (۱۹۹۶-۱۹۹۲) | بنگلادش و فیلیپین (۱۹۸۷-۱۹۹۵) | مالزی و سنگاپور | نپال | نظام‌های اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه یک و چندنفره |

* کامبوج یک مورد مرزی است، زیرا قانون اساسی اکثریت دوسوم را در مجلس ملی برای تأیید و تثبیت دولت مقرر کرده است. اگرچه در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۸ یک اکثریت تصنعی و ساختگی وجود داشت، با این حال این اکثریت یک اکثریت مطلق بود که برای تضمین رأی پارلمانی کافی نبود.

اکثریت‌های تک‌حزبی، اکتسابی باشند یا تصنعی، تنها راه تضمین دولت‌های با ثبات و مؤثر و کارآمد نیستند. ظرفیت کابینه‌های ائتلافی برای اجرای پروژه‌های قانونگذاری در پارلمان به‌طور خودکار نسبت به کابینه‌های تک‌حزبی پایین نیست. در مقابل، کابینه‌های ائتلافی گاهی اوقات در حمایت از سیاست‌ها حتی مؤثرترند، زیرا ممکن است بر حمایت و پشتیبانی [مردمی] گسترده‌ای تکیه کنند. برای مثال، «لیپهارت» استدلال می‌کند که سیاستگذاری موفق به‌طور کلی و سیاستگذاری اقتصادی به‌طور خاص نیاز چندانی به اعمال خشونت ندارد، آن‌گونه که در سیاستگذاری منضبط نیاز است.^۱ با این حال، تداوم سیاست نیاز به ثبات کابینه، یا همان‌طور که لیپهارت عنوان می‌کند، نیاز به تداوم و ماندگاری کابینه دارد. کابینه‌های زودگذر و کوتاه‌مدت مجال کافی برای توسعه

1. 1984, P 156.



سیاست‌های منسجم و دقیق را ندارند، در عوض، دوام و ماندگاری کابینه‌ها، نشان‌دهنده این است که کابینه‌ها قادر به کسب حمایت وسیعی در پارلمان هستند، همچنین گویای این است که دولت قابلیت بالایی برای اطاعت از پارلمان و اجرای پروژه‌های سیاسی آن دارد.^۱

نظام انتخاباتی مورد استفاده در انتخابات مجالس قانونگذاری فقط به‌طور غیرمستقیم ثبات و دوام کابینه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ویژگی‌های تکمیلی نظام حزبی، نظیر فاصله ایدئولوژیکی بین احزاب (قطبی‌گرایی)، رفتار تغییرپذیر رأی‌دهندگان، یا نوع نظام حکومتی (پارلمانی، ریاستی و مختلط) نیز متغیرهای مهمی محسوب می‌شوند.^۲ اما در این خصوص یک اصل کلی برای نظام‌های پارلمانی وجود دارد: هر اندازه که اثر اکثریتی نظام انتخاباتی بیشتر باشد، به همان اندازه نظام انتخاباتی تمایل بیشتری به متمرکز کردن نظام حزبی خواهد داشت. این امر معمولاً موجب می‌شود که نظام حزبی کمتر به سمت چندپارگی سوق یابد. هر اندازه که تعداد احزاب مؤثر در پارلمان کمتر و ظرفیت نظام‌های حزبی برای ایجاد اکثریت‌ها بالاتر باشد، به همان اندازه احتمال شکل‌گیری کابینه‌های تک‌حزبی یا کابینه‌های ائتلافی متشکل از احزابی که حداقل آرا را به‌دست آورده‌اند، بیشتر است. کابینه‌های تک‌حزبی میانگین طول عمر بالایی نسبت به کابینه‌های ائتلافی دارند که متشکل از احزابی‌اند که حداقل آرا را کسب کرده‌اند. این کابینه‌ها نسبت به کابینه‌های اقلیتی یا کابینه‌های ائتلافی بزرگ‌تر از حد معمول، میانگین بالایی از پایداری را دارند.

مطالعات صورت گرفته در چند کشور این استدلال را تأیید می‌کند. «تیلور» و «هرمان» و همچنین «لیپهارت» رابطه معکوس مستحکمی را بین پایداری کابینه و درجه چندپارگی حزبی یافته‌اند.^۳ «بینگهام پاول» و دیگران^۴ برای وجود رابطه بین درجه چندپارگی حزبی، قطبی‌گرایی ایدئولوژیکی، بی‌ثباتی نظام‌های حزبی و ثبات دولت و پایداری کابینه شواهد آماری ارائه کرده‌اند. این شواهد آماری را می‌توان در قالب فرضیه‌ای که شرح آن به ترتیب زیر می‌باشد، فرموله کرد: هر اندازه که چندگانگی بالاتر، قطبی شدن ایدئولوژیکی شدیدتر و بی‌ثباتی نظام حزبی بیشتر باشد، به همان اندازه توزیع قدرت چانه‌زنی بین احزاب سیاسی ناامن‌تر و بی‌ثبات‌تر و در نتیجه صحنه پارلمان پیچیده‌تر و بی‌ثبات‌تر است. اما در پارلمان است که احزاب سیاسی در مورد تشکیل یا سقوط کابینه‌ها (رژیم‌های پارلمانی) تصمیم می‌گیرند و کابینه‌ها باید توانایی خود را برای اتخاذ سیاست‌ها اثبات کنند.

داده‌های زیر محاسبات مبتنی بر تعریفی محدود از پایداری کابینه‌اند. سه معیار برای پایان

1. Lijphart, 1999, P 129.

2. See Sani and Sartori, 1983; Morlino, 1998, PP 85-103.

3. Taylor and Herman, 1971, P 37; Lijphart, 1984.

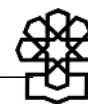
4. Bingham Powell (1982), Laver and Schofield (1990) and King et al, 1990.

دوره یک کابینه مورد استفاده قرار می‌گیرد. عمر کابینه به دلیل برگزاری انتخابات جدید یا به واسطه تغییر در ترکیب حزب، یا تغییر در نخست‌وزیری پایان می‌یابد.^۱ در رژیم‌های ریاستی و رژیم‌های ریاستی - پارلمانی معیارهای خاتمه دوره کابینه عبارتند از: تغییر در ترکیب حزبی کابینه‌ها، تغییر در ریاست‌جمهوری یا وضعیت و موقعیت ائتلاف یا برگزاری انتخابات جدید ریاست‌جمهوری. این اصلاح به این دلیل معمول شد که، در رژیم‌های پارلمانی، کابینه باید قبل از انتخابات استعفا می‌داد و نخست‌وزیران باید توسط پارلمان جدید، پس از انتخابات، تعیین می‌شدند. بنابراین انتخابات مجالس قانونگذاری تأثیری خودکار بر کابینه‌ها در نظام‌های پارلمانی دارد، ولی در رژیم‌های ریاستی چنین تأثیری را ندارد. در اینجا دو نکته قابل ذکر است: نخست؛ از آنجا که اطلاعات موثق در مورد ترکیب حزبی کابینه‌های ریاست‌جمهوری در فیلیپین و اندونزی در دسترس مؤلف نبوده است، معیار اول در این دو کشور قابل استناد نیست. دوم؛ کامبوج نیز به همان دلیل و نیز به خاطر شرایط خشونت‌آمیز انحلال کابینه در سال ۱۹۹۷ در این الگو قرار نمی‌گیرد.^۲

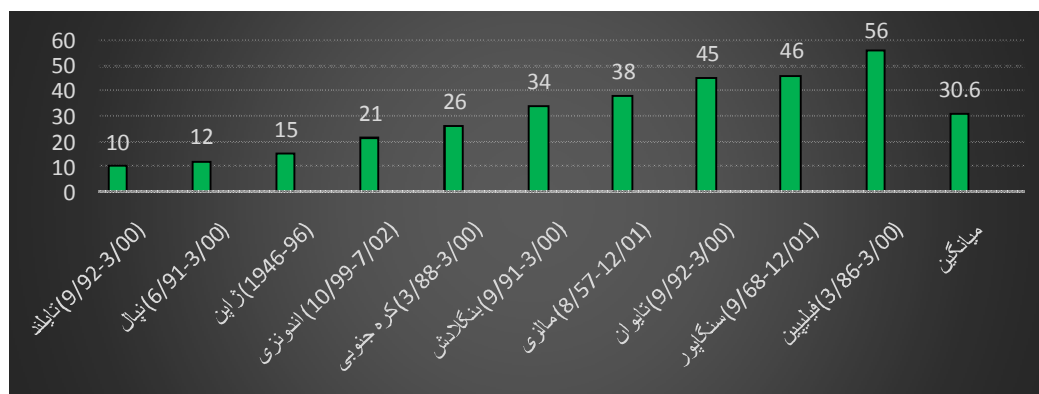
نمودار زیر سیر صعودی میانگین پایداری کابینه را نشان می‌دهد. در نگاه اول، بین چندپارگی نظام حزبی و دوام و ماندگاری کابینه یک وابستگی نسبتاً روشنی وجود دارد. آنچنان که پیش‌بینی شده بود، تایلند در رتبه آخر قرار می‌گیرد، زیرا چندپارگی نظام‌حزبی بسیار بالاست و نظام انتخاباتی نه به نفع قوی‌ترین حزب است و نه اکثریت‌های تصنعی را ایجاد می‌کند. رتبه‌های مالزی، اندونزی، بنگلادش، سنگاپور و کره نیز در نمودار با پیش‌بینی‌های ما همخوانی دارند، زیرا آنها تقریباً با هر دو رتبه‌بندی مطابقت دارند. اما میانگین دوام کابینه در نپال، تایوان و ژاپن از پیش‌بینی‌های ما منحرف شده و فیلیپین منحرف اصلی است.

1. Lijphart, 1999, P 132.

2. See Gallup, this Volume



نمودار میانگین دوام کابینه (در ماه)^۱



توضیح: در مورد مالزی دوره ۰۹/۷۰-۰۹/۷۴ محاسبه نشده است.

نپال از لحاظ دوام و ماندگاری کابینه دومین رتبه از آخر را دارد، اگر چه از لحاظ تئوریک میانگین بالایی از دوام و ماندگاری کابینه برای این کشور - به این دلیل که نظام انتخاباتی آن به وضوح حزب قوی را متمتع ساخته، چندپارگی نظام حزبی را کاهش داده و اکثریت‌های تصنعی را ایجاد می‌کند - پیش‌بینی می‌شود. ژاپن با توجه به اینکه حزب لیبرال دمکراتیک آن به‌طور مستمر از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۹۴ بر کشور حاکم بوده است، بدتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد رتبه‌بندی می‌شود. از طرف دیگر، رتبه تایوان از لحاظ دوام و ماندگاری کابینه نسبت به بُعد چندپارگی نظام حزبی رتبه بهتری است. سرانجام، فیلیپین عالی‌ترین رتبه را از لحاظ دوام کابینه به خود اختصاص داده است - کشوری که نظام حزبی آن از لحاظ چندپارگی رتبه دوم را در منطقه دارد، کشوری که نظام انتخاباتی آن کمتر قابلیت ایجاد اکثریت‌های تصنعی دارد و کشوری که کابینه‌های آن که به خاطر ضعف و عدم کارآیی‌شان بدنام و منقرضند.

دلیل چیست؟ سابقه خوب تایوان در مورد ثبات کابینه عمدتاً به دو عامل نهادی باز می‌گردد: رژیم «مختلط» ریاستی - پارلمانی آن و قابلیت بالای نظام انتخاباتی این کشور برای ایجاد اکثریت‌های تصنعی، ولو همراه با عدم تناسب انتخاباتی ضعیف و نمایندگی افراطی کمتر قوی‌ترین حزب. تا زمانی که ریاست‌جمهوری و اکثریت مجلس قانونگذاری «یوان» متعلق به یک حزب یعنی «کومینتانگ» (که مورد مطالعه‌ای در بین سال‌های ۱۹۴۷ و مارس ۲۰۰۰ بوده است) بود، ثبات کابینه به سادگی تقویت می‌شد. این [ثبات کابینه در تایوان] البته همچنین از عواملی خارج از نظم نهادی، یعنی موقعیت هژمونیک پیشین «کومینتانگ» در نظام حزبی کشور، ریشه‌های (سابقاً) نیرومند و مستحکم آن در جامعه تایوان و قابلیت بالای آن برای متعادل‌سازی جناح‌گرایی درون‌حزبی در طول دوره زمانی طولانی ناشی می‌شود.

1. Sources: Based on data in Croissant, 2002c; Leifer, 1996; Cook and Stevenson, 1998; Nohlen, Grotz and Hartmann, Vol. II, 2001; Keesing's Contemporary Archives.

جدول ۱۲. رتبه‌بندی چندپارگی نظام حزبی و دوام کابینه

| کشور | چندپارگی نظام حزبی* | دوام کابینه** |
|---------|----------------------------|--------------------------------|
| سنگاپور | ۱ (پایین‌ترین حد چندپارگی) | ۲ |
| مالزی | ۲ | ۳ |
| نیپال | ۳ | ۹ |
| بنگلادش | ۴ | ۵ |
| تایوان | ۵ | ۳ |
| ژاپن | ۶ | ۸ |
| کره | ۷ | ۶ |
| اندونزی | ۸ | ۷ |
| فیلیپین | ۹ | ۱ (بالاترین حد دوام کابینه) |
| تایلند | ۱۰ (بالاترین حد چندگانگی) | ۱۰ (پایین‌ترین حد دوام کابینه) |

* هرچه تعداد احزاب پارلمانی مؤثر کمتر است، به همان اندازه رتبه بالاتر است.

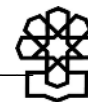
** هر چه میانگین دوام کابینه بالاتر است، رتبه بالاتر است.

میانگین پایین غیرقابل پیش‌بینی دوام کابینه در ژاپن بیش از همه نتیجه جناح‌گرایی حزبی روشن و تقابل جناحی در درون حزب حاکم یعنی حزب لیبرال دمکراتیک است. چرخش منصب نخست‌وزیری در بین رؤسای جناح‌ها، ابزاری غالباً معمول برای چانه‌زنی سیاسی در درون این حزب بوده و ابزاری مؤثر برای تنظیم رقابت بین جناح‌های مختلف است. این فرآیند اساسی کمک می‌کند تا طول عمر کوتاه کابینه‌های ژاپنی در چشم‌انداز بهتری قرار بگیرند. اگرچه کابینه‌ها به صورت فردی آمده و رفته‌اند، بسیاری از همان وزرا و به‌ویژه همان حزب به مدت حدود ۵۰ سال همچنان در دولت باقی مانده‌اند و از این طریق چشم‌انداز طولانی‌مدت برای سیاست و یک استمرار و پیوستگی «پنهان و مکتوم» برای کابینه فراهم کرده‌اند.

نیپال یک مورد متفاوت است. پایداری پایین کابینه در نیپال را نمی‌توان همانند ژاپن به‌وسیله مکانیسم‌های تثبیت‌کننده غیررسمی و دولتی توضیح داد. عمر کوتاه کابینه‌ها واقعاً نشانه‌ای از عدم ثبات سیاسی در نیپال است. دلیل بی‌ثباتی کابینه‌ها در بطن ساختارهای ویژه و فرآیندهای نظام حزبی نیپال نهفته است. به رغم اینکه انتخابات عمومی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۹ اکثریت مطلق را برای حزب کنگره نیپال به ارمغان آوردند، کابینه‌های با ثبات به دلیل درگیری‌ها و نزاع درون‌حزبی مداوم، توسعه نیافته‌اند.^۱

دمکراسی فیلیپین در این خصوص به وضوح یک مورد غیرعادی است. میانگین بسیار بالای پایداری کابینه در تضاد شدید با تأثیرات اکثریتی ضعیف نظام انتخاباتی و چندپارگی نظام حزبی

1. Perekrestenko, 1997.



آن قرار دارد. نقطه ضعف‌های این شاخص که در اینجا برای اندازه‌گیری تسلط قوه مجریه مورد استفاده قرار گرفته واقعاً در مورد فیلیپین آشکار می‌شود. در این مورد، پایداری کابینه تصویری کاملاً اشتباه از درجه تسلط قوه مجریه را عرضه می‌کند، زیرا این شاخص فقط تداوم دیرینگی دوره‌های ریاست‌جمهوری را مورد سنجش قرار می‌دهد. طبق این روش، فیلیپین در عرض ۱۴ سال تنها سه کابینه متفاوت را تجربه کرده است. «ماتیو شوگارت»^۱ و «جان کاری»^۲ و دیگران نشان داده‌اند که در رژیم‌های ریاستی درجه تسلط قوه مجریه یا تسلط قوه مقننه در برابر دیگر قوای حکومتی، به سایر عناصر نهادی و ویژگی‌های نظام حزبی مربوط می‌شود که نمی‌توان آن را با شاخص پایداری کابینه مورد ارزیابی و سنجش قرار داد. مهمترین این عناصر عبارتند از: صلاحیت‌های رئیس‌جمهوری درخصوص صدور آیین‌نامه و تصویب‌نامه، ترکیب اکثریت‌های قوه مقننه و انسجام و همبستگی احزاب پارلمانی.^۳ این متغیرها بر پایداری کابینه در رژیم‌های ریاستی تأثیری ندارند، بلکه بر قابلیت دولت‌های ریاستی برای تسلط بر پارلمان تأثیر دارند.

با توجه به مورد خاص فیلیپین، تحقیق اخیر در مورد روابط بین قوه مقننه و رئیس‌جمهوری ثابت کرده است که قوه مجریه ریاستی بر کنگره تسلط ندارد. به جای یک «ریاست‌جمهوری امپریالیستی»، ما یک «ریاست‌جمهوری عقیم و ناتوان» یافته‌ایم، که در آن اکثر رؤسای جمهوری به دلیل فقدان اکثریت‌های متعلق به ریاست‌جمهوری در کنگره، اعتبار ضعیف اکثریت‌های کنگره‌ای، فقدان صلاحیت آیین‌نامه‌ای و تصویب‌نامه‌ای رئیس‌جمهوری و وجود یک نظام حزبی بی‌ثبات، در فرآیندهای چانه‌زنی بی‌پایان با تک‌تک اعضای کنگره گرفتار می‌شوند. این امر منجر به بن‌بست‌های نهادی یا شخصی و ناکامی و ناامیدی سیاسی قوه مجریه می‌شود.^۴ ریاست‌گرایی در کره جنوبی و تایوان گاهی اوقات این سناریوی «ریاست‌گرایی عقیم و ناتوان» را به نمایش می‌گذارد. بن‌بست‌ها و انسدادهای نهادی زمانی در کره جنوبی به وقوع می‌پیوندند که انتخابات قانونگذاری یا ریاست‌جمهوری «اکثریت‌های رقیب» را در هر دو قوه ایجاد می‌کند. این موضوع در برهه‌های زمانی آوریل ۱۹۸۸ تا فوریه سال ۱۹۹۰، بین فوریه ۱۹۹۸ و آگوست ۱۹۹۹ اتفاق افتاد و از آوریل سال ۲۰۰۰ به بعد بار دیگر موضوعیت یافته است. تعارضات نهادی بین رئیس‌جمهوری و «یوان» قانونگذاری در تایوان شایع است، زیرا حزب مخالف پیشین یعنی حزب پیشرو دمکراتیک در مارس سال ۲۰۰۰ منصب ریاست‌جمهوری را درحالی کسب کرد که حزب حاکم پیشین یعنی «کومینتانگ»

1. Matthew Shugart

2. John Carey

3. Carey and Shugart, 1998; Mainwaring and Shugart, 1997; Morgenstern and Nacif, 2002.

4. Croissant, 2002a; 2002b.

هنوز اکثریت را در پارلمان در اختیار داشت.^۱

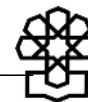
جدول ۱۳ نشان می‌دهد که اکثریت‌های رقیب در کره جنوبی و فیلیپین در آغاز اجلاس‌های تقنینی حاکم بوده‌اند. میانگین سهم کرسی‌هایی که حزب رئیس‌جمهوری به دست آورد در کره جنوبی ۴۵ درصد و در فیلیپین ۴۱ درصد است. با این حال، رقم میانگین درج شده برای فیلیپین نتایج انتخابات کنگره‌ای سال ۱۹۷۸ را شامل می‌شود که در آن ائتلاف طرفدار دمکراسی تحت رهبری «کرازون اکینو» ۷۲/۵ درصد کرسی‌ها را در مجلس نمایندگان و ۹۱/۷ درصد کرسی‌ها را در سنا تصاحب کرد. اگر انتخابات مهم سال ۱۹۷۸ از محاسبه خارج شود، میانگین سهم کرسی‌های تصاحب شده توسط احزاب رئیس‌جمهوری به درصدی پایین یعنی ۳۱/۸ درصد در مجلس نمایندگان و ۲۷/۸ درصد در سنا می‌رسد. تایوان با این روند همخوانی ندارد. اما از آنجا که حزب رئیس‌جمهوری «چنگ شیبیان»، یعنی حزب پیشرو دمکراتیک، در کسب اکثریت مطلق کرسی‌ها در پارلمان در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۱ شکست خورد، معلوم نیست که آیا تایوان در آینده این تمایل عمومی خود را مجدداً نقض خواهد کرد یا نه. تأثیرات منفی دولت تقسیم شده بر کارآمدی سیاسی و اثربخشی سازمانی رژیم دمکراتیک، تاکنون در طول دو سال گذشته بالا بوده است، همان‌طور که در مورد فیلیپین و کره نیز بالا بوده و هنوز هم چنین است.

جدول ۱۳. میانگین سهم کرسی‌های حزب رئیس‌جمهوری

| کشور | مجلس اول | مجلس دوم | حکمرانی رئیس‌جمهوری به وسیله دولت تقسیم شده |
|---------------------|----------|----------|--|
| فیلیپین (۱۹۸۷-۲۰۰۱) | ۴۰/۷۰ | ۴۷/۳۰ | همه رؤسای جمهوری بعد از کسب این منصب ائتلاف‌هایی را ایجاد کرده‌اند یا افراد مستقل یا نمایندگان از سایر احزاب را برای همکاری در حزب خودشان وارد کرده‌اند. |
| کره (۱۹۸۸-۲۰۰۰) | ۴۵/۱۰ | - | «روح تئای وو» (۱۹۸۸-۱۹۹۰) «کیم دای جونگ» (۱۹۹۹-۱۹۹۸ و ۲۰۰۲-۲۰۰۰) |
| تایوان (۱۹۹۲-۲۰۰۱) | ۵۲/۹۵ | - | «چنگ شیبیان» (۲۰۰۱-۲۰۰۲) |
| اندونزی (۱۹۹۹) | ۱۰/۲۰ | - | «عبدالرحمن وحید» (۱۹۹۹-۲۰۰۱) «مگاواتی سوکارنوپوتری» (۲۰۰۱-۲۰۰۲) |

مأخذ: همان.

۱. انتخابات نوامبر سال ۲۰۰۱ «یوان» قانونگذار برای «کومینتانگ» یک فاجعه بود که اکثریت خود را از دست داد و مقام خود را در پارلمان به دومین حزب بزرگ تنزل داد. با این حال، حزب رئیس‌جمهوری تنها کمی بیشتر از یک سوم کرسی‌ها را در پارلمان به دست آورد.



مثالی افراطی از بن‌بست نهادی در اندونزی بین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ اتفاق افتاده است. به دلیل ضعف حزب رئیس‌جمهوری در پارلمان (دی پی آر) و مجلس عالی (ام پی آر) و چند عامل دیگر،^۱ رئیس‌جمهوری مطیع و گروگان اراده سیاسی پارلمان شده است. همان‌طور که «هارماوان سولستیو» در تحلیل خود نشان داده است، «دی پی آر» و «ام پی آر» تحت سلطه احزابی قرار گرفتند که رسماً در تشکیل کابینه همه‌جانبه مشارکت داشتند، اما آنها در واقع بیشتر و بیشتر نظیر احزاب مخالف عمل می‌کردند. بحرانی‌ترین زمان برای قابلیت حکمرانی در اندونزی زمانی بود که این احزاب تصمیم گرفتند که از شمشیر تیز استیضاح به‌عنوان سلاحی برای واگذاری منصب ریاست‌جمهوری به شخصی دیگر استفاده کنند. از قضای روزگار، همان موضوع در فیلپین چند ماه پیش هنگامی که احزاب مخالف تصمیم گرفتند که رویه‌های مبتنی بر قانون اساسی را کنار گذاشته و دولت مشروع دمکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی را از طریق نوعی کودتای مردمی برچینند، اتفاق افتاده بود.

ممکن است استدلال‌های خوبی به نفع این استراتژی صورت گرفته باشد. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در هر دو کشور، افکار عمومی و آکادمیک در مورد مزایا و خطرات جدی این استراتژی به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. مجبوریم صبر کنیم تا ببینیم این عوامل چگونه بر توسعه سیاسی این دو کشور در آینده تأثیر خواهند گذاشت. با این حال، این پیشرفت‌ها در اندونزی و فیلپین به وضوح موانعی را برای قابلیت حکمرانی در رژیم‌های ریاستی و نیمه‌ریاستی در مورد دولت تقسیم شده نشان می‌دهند. به هنگام بحث در باب قابلیت‌ها و اصلاحات نهادی به‌منظور پیشبرد بیشتر توسعه دمکراتیک در آسیا و اقیانوسیه، باید این مسائل را در ذهن خود داشته باشیم.

نتیجه‌گیری مترجم

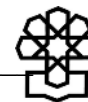
در اینجا لازم است از خلال بحث‌های انجام یافته در داخل متن برای سؤالاتی که در چکیده این گزارش عنوان شد، پاسخ مناسب یافته شود. از لحاظ گزینش نظام‌های انتخاباتی به این نتیجه رسیدیم که در این منطقه جغرافیایی از بین هفت کشور مورد مطالعه تنها دو کشور (کامبوج و اندونزی) نظام انتخاباتی تناسبی را برگزیده و اعمال نموده‌اند. ۵ کشور دیگر گونه‌های مختلف نظام اکثریتی را اعمال می‌کنند. مالزی گونه‌ای از نظام اکثریتی، یعنی نظام نخست نوری را که در واقع مادر همه نظام‌های انتخاباتی است در حوزه‌های انتخابیه تک نماینده اعمال می‌کند. ۴ کشور دیگر یا اکثریتی دو مرحله‌ای را برگزیده‌اند و یا نظام ترکیبی و مختلط (مثلاً تایلند و کره جنوبی) را اتخاذ کرده‌اند.

1. See Sulistyono, This Volume

این کشورها از لحاظ آثار و نتایج سیاسی که نظام‌های انتخاباتی آنها به بار آورده‌اند، نیز متفاوت هستند. درخصوص اصل نمایندگی، این مطالعه نشان می‌دهد که میانگین عدم تناسب از ۲/۲۵ درصد در اندونزی تا ۲۲/۴۴ درصد در سنگاپور متغیر است. نظام نمایندگی تناسبی کامبوج (همراه با نشانه‌های کوچکی از نظام اکثریت نسبی) و اندونزی باید از لحاظ تناسب انتخاباتی نمره و امتیاز بالایی برای اصل نمایندگی خود کسب کنند. در حالی که ژاپن با نظام انتخاباتی رأی غیرقابل انتقال واحد تا سال ۱۹۹۶ و نظام انتخاباتی ترکیبی و مختلط از سال ۱۹۹۶ به بعد و نیز نظام اکثریت نسبی تایلند با حوزه‌های انتخابیه چندنفره که قبل از سال ۲۰۰۰ معمول بود، درجه تناسب انتخاباتی‌شان کمتر است، اما بقیه نظام‌های اکثریتی نسبت به نظام‌های نمایندگی تناسبی از لحاظ درجه عدم تناسب در رتبه پایین قرار می‌گیرند. یعنی میزان عدم تناسب در نظام اکثریتی نسبت به نظام تناسبی بیشتر است. نظام انتخاباتی ترکیبی و مختلط در کره جنوبی (از سال ۱۹۸۸) و تایلند (۲۰۰۱) و نظام اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخابیه چندنفره معمول در بنگلادش و نپال به نحو قابل توجهی عدم تناسب زیادی را ایجاد کرده‌اند. درجه پایین تناسب اصل نمایندگی در نظام اکثریت نسبی مالزی و سنگاپور قابل ملاحظه است.

در مورد سؤال مربوط به چندپارگی یا متمرکزسازی نظام حزبی به این نتیجه رسیدیم که مقایسه بین تعداد احزاب مؤثر در انتخابات (براساس تعداد آرای مأخوذه) و تعداد احزاب مؤثر در پارلمان (براساس تعداد کرسی‌های کسب شده) نشان می‌دهد که تمامی نظام‌های انتخاباتی نظام‌های حزبی را متمرکز می‌کنند. این امر باعث می‌شود که تعداد احزاب مؤثر در پارلمان در قیاس با تعداد احزاب مؤثر در انتخابات کمتر باشد. این تفاوت در نپال، بنگلادش، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی بسیار بالاست و در اندونزی، تایوان، کامبوج، ژاپن و تایلند در پایین‌ترین حد می‌باشد. ساختار نظام حزبی کشورهای مورد مطالعه که برآمده از نوع نظام انتخاباتی آنهاست، متفاوت است. محدوده طیف از تکثرگرایی افراطی در اندونزی، فیلیپین و تایلند، تا تکثرگرایی معتدل در بنگلادش، تایوان (هر دو کشور کمتر از دو حزب در پارلمان دارند)، ژاپن و کره و نظام‌های دوحزبی یا دو و نیم حزبی در کامبوج و نپال و نظام‌های حزبی غالب و یا حتی نظام حزبی هژمونیک در مالزی و سنگاپور متغیر است.

درخصوص سؤال مربوط به ثبات سیاسی و حکمرانی باید گفت که بدترین نظام حزبی برای قابلیت حکمرانی و ثبات سیاسی، نظامی است که در آن تکثرگرایی افراطی همراه با قطبی‌گرایی بالا وجود دارد. چنین نظامی تنها در اندونزی قابل مشاهده است. این درحالی است که در پنج کشور دیگر، یعنی سنگاپور، مالزی، ژاپن، کره و تایوان، شاهد نظام‌های حزبی‌ای هستیم که کثرت‌گرایی در آنها ضعیف و همزمان چندپارگی، در آنها ملایم است. این کشورها توسط بسیاری از دانشمندان به



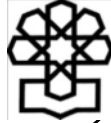
عنوان کشورهای حائز بهترین رکورد حکمرانی، ثبات سیاسی و عملکرد اقتصادی و اجتماعی در منطقه قلمداد شده‌اند. در حالی که در ادبیات موجود، کره، تایوان و ژاپن را با نظام‌های حزبی از نوع قطبی‌گرایی محدود به عنوان تثبیت‌شده‌ترین دمکراسی‌ها در آسیا و اقیانوسیه فهرست‌بندی می‌کنند، به دلایل مختلف مالزی و سنگاپور عمدتاً به عنوان نظام‌های سیاسی «نیمه‌دمکراتیک» مشخص شده‌اند. هر دو کشور، با توجه به عدم تناسب انتخاباتی، اعطای نمایندگی افراطی به بزرگ‌ترین حزب یا ائتلاف و تبعیض علیه احزاب مخالف، در مرزهای بین نظام حزبی غالب و نظام حزبی هژمونیک قرار گرفته‌اند.

از طرف دیگر، نظام‌های کمتر از سه حزب در بنگلادش، نپال و کامبوج با وجود چندپارگی ضعیف نظام حزبی ضرورتاً موجب تثبیت نظام نشده‌اند و به واسطه جنگ داخلی یا تجربیات مرتبط با جنگ داخلی (کامبوج و نپال) و یا به وسیله نزاع قومی و مذهبی و تضاد بین خواص و رهبران سیاسی (بنگلادش) بی‌ثبات شده است. نظام حزبی شدیداً چندپاره در فیلیپین و تایلند تهدید بزرگی بر ثبات سیاسی و دمکراسی تحمیل نمی‌کنند زیرا این نظام‌های حزبی به واسطه سطوح پایین قطبی‌گرایی و تکثرگرایی، متعادل و متوازن شده‌اند. با این حال چندپارگی بالا قطعاً مانعی در برابر بهره‌وری و اثربخشی سازمانی و به تبع آن قابلیت حکمرانی رژیم‌های دمکراتیک می‌باشد. زیرا چندپارگی بالا منجر به شکل‌گیری کابینه‌های ائتلافی چند حزبی زودگذر و غیرثابت (تایلند)، دولت تقسیم شده (فیلیپین)، بن‌بست‌های متقابل بین احزاب سیاسی و مجالس قانونگذاری زودگذر و پی‌درپی می‌شود.

منابع و مأخذ

1. Dahl, R.A. 1989. *Democracy and its Critics*. New Haven and London: Yale University Press.
2. Sartori, 1987. *Democratic Theory*, rev. edn. New York: Praeger.
3. Powell, B.G. 2000. *Elections as Instruments of Democracy. Majoritarian and Proportional Visions*. New Haven and London: Yale University Press.
4. Hadenius, A. 1992. *Democracy and Development*. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Hartmann, C. 2001. 'Cambodia', in Nohlen, Grotz and Hartmann, Vol. II, 2001.
6. *Keesing's Contemporary Archives*, various dates.
7. Blais, A. and Maiscotte, L. 1996. 'Electoral Systems', in LeDuc, Niemi and Norris, 1996.
8. Lijphart, A. 1984. *Democracies. Patterns of Majoritarian and Consensus Government in Twenty-One Countries*. New Haven and London: Yale University Press.
9. Rigger, S. 2001. 'E-Notes. Taiwan Legislative Election. Green Camp Gains in December 1 polls, Blue Team Changes Hue', <http://www.fpri.org/enotes/asia/20011228.rigger.taiwanelection.html> (downloaded 23/02/02).

10. Beichelt, T. 1998. 'Die Wirkung von Wahlsystemen in Mittel- und Osteuropa' [The Consequences of Electoral Rules in Central and Eastern Europe], *Zeitschrift für Parlamentsfragen*, 29(4).
11. Durverger, M. 1964. *Political Parties: Their Organization and Activity in the Modern State*, 3rd edn. London: Methuen.
12. Laakso, M. and Taagepara, R. 1979. 'Effective Number of Parties. A Measure with Application to Western Europe', *Comparative Political Studies*, 12(1).
13. Croissant 2002b. 'Legislative Powers, Veto Players, and the Emergence of Delegative Democracy. A Comparison of Presidentialism in the Philippines and Korea'. University of Heidelberg, Institute for Political Science (mimeo).
14. Tsebelis, G. 1995. 'Decision Making in Political Systems: Veto Players in Presidentialism, Parliamentarism, Multicameralism and Multipartyism', *British Journal of Political Science*, 25.
15. Lijphart 1999. *Patterns of Democracy. Government Forms and Performance in Thirty-Six Countries*. New Haven and London: Yale University Press.
16. Sani, G. and Sartori, G. 1983. 'Polarization, Fragmentation, and Competition in Western Democracies', in Daalder and Mair, 1983.
17. Taylor, M. and Herman, V.M. 1971. 'Party Systems and Governmental Instability', *American Political Science Review*, 56, March.
18. Powell, B. Jr. 1982. *Contemporary Democracies: Participation, Stability, and Violence*. Cambridge: Harvard University Press.
19. Perekrestenko, S.B. 1997. *Transition und Demokratische Konsolidierung im Hinduistischen Königreich Nepal* [Transition and Democratic Consolidation in the Hindu Kingdom of Nepal]. Wetztenberg: VVB Laufersweiler Verlag.
20. Croissant 2002a (forthcoming). *Demokratische Entwicklung in Asien. Eine vergleichende Analyse defekter Demokratien in den Philippinen, Südkorea und Thailand* [Democratic Development in the Philippines, South Korea and Thailand]. Wiesbaden: Westdeutscher Verlag.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۷۰۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نظام‌های انتخاباتی و آثار سیاسی آن در آسیا

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: مهدی نژادخلیلی

ناظر علمی: خیراله خیری‌اصل

مناقضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. نظام‌های انتخاباتی

۲. نظام‌های حزبی

۳. نظام‌های سیاسی

۴. دولت‌های آسیایی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۱۲